

تصویب میکنند آن هفت فقره را و رفته سفید خواهند داد ( در این موقع اوراق رای اخذ گردیده و آقای میرزا رضا خان بعد از ذیل امضاء نمودند .

ورقه سفید ۳۱ ورقه آبی ۱۷ - **نایب رئیس** - بلا تکلیف مانند رایسورت کمیسیون بودجه راجع بقره میرزا حسنخان مقتول در کرامانشاهان ( رایسورت مزبور بعبارت ذیل فرائت شد )

لایحه وزارت مالیه راجع بقره میرزا حسن خان دفتردار دائره تجدید تریاک که بدست مستشار الحکماء مقبول شده فرائت گردیده وزارت مالیه تقاضای ماهی پانزده تومانی در باره آنها ننموده پس از مذاکرات لازمه علاوه بر قصاص شرعی که قانوناً عدابه باید محاکمه شود نظر باینکه وراث مرحوم میرزا حسنخان مستحق رعایت هستند کمیسیون با اکثریت آراء ضبط سالی یکصد و هشتاد تومان حقوق مستشار الحکماء تصویب نموده و در عوض در باره وراث قانونی مرحوم مزبور برقرار نماید .

ماده - یکصد و هشتاد تومان حقوق مستشار الحکماء مقطوع و مبلغ مزبور مادام الحیوة در باره وراث قانونی میرزا حسنخان در کرامانشاهان مقبول شده برقرار شود .

**مهرز الملک** - از قراریکه در رایسورت نوشته شده است گویا يك كسی را مستشار الحکماء در کرامانشاهان عمداً یا سهواً کشته ولی این آن عمداً نمیشود که حقوق يك کسی را بر گردانند و در حق يك کسی دیگر برقرار کنند اگر حقوق او را بر میگردانند که باید بخزانه مملکت برگردد و صرف مملکت شود والا این قانون تازه است که میخواهند مجری بدانند اگر آقای مجیر کمیسیون درست توضیح این را بفرمایند اسباب امتنان بنده خواهد شد .

**حاج عز الممالک** - بله از قراریکه که از وزارت مالیه نوشته اند این شخص دفتردار اداره تجدید تریاک بوده در خدمت بوده است برای این که شرکت به خیانت کرده است باین جهت مقبول شده است وزارت مالیه برای اینکه وراث او مستاصل است تقاضا نموده است که حقوقی درباره آنها برقرار شود چون شخص قائله واجبی داشت از دولت کمیسیون رای داد که این موجب فضاخ و در حق ورثه مقتول برقرار شود تصور میکنم که این يك حکم عادلانه است و کلاهی مجیر هم الی مرای خواهند داد .

**حاج سید ابراهیم** - بنده عرضم این است که اینرا مجرا کنند زیرا که بنده در قطعش رای دادم ولی در تصویب او در حق دیگری رای ندادم و پیشنهادم میکنم که تجزیه شود .

**حاج عز الممالک** - اینکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند در تصویب رای ندادم بنده عرض میکنم در تصویب او هم خوب است رای داشته باشند زیرا این شخص در خدمت دولت کشته شده و این از صرف دولت يك کمکی است که در حق ورثه او میشود .

**محمد هاشم میرزا** - عرض کنم در این موضوعی که میگویند در خدمت دولت کشته شده و باید وراث آنها رعایت شود باید توضیح شود که در حق استخدام دولتی که قشونی یا پلیس و ژاندرم باشد باید رعایت کرد که خواسته است امر دولتی اجرا

کند و میخواسته است مأموریت خود را انجام بدهد اگر در سر آن خدمت کشته شود باید وراث آنها رعایت بشود اما اگر در وقت دیگر کشته شود هیچ فرقی نمیکند و هیچ عقلی در این موضوع رای نمیدهد که يك حقوق از خزانه دولت در حق وراث او برقرار شود بجز این که در سر اداره تجدید تریاک بوده بارتیس خودش ممارضه کرده است و او این را کشته است دیگر آنکه مطابق قانون و طسایف این غلط است که حقوق یکی را در حق دیگری برقرار کنند مگر اینکه تجزیه و دو ماده شود در کمیسیون بودجه هم این را دو ماده کرده بودند نباید هم چطور شده که حالا بشعاده شده است و بطوریکه عرض کردم یکی از مواد قانون وظایف راجع بمنقطع قطع حقوق کسی و برقراری او در حق غیر است پس در تحت این يك ماده نمیشود هم قطع کرد هم برقرار کرد بملأه از قرار مسوع در عدلیه این مسئله خون بست شد .

است به با تصد تومان که مستشار الحکماء یا تصد تومان پورات آنها بدهد حالا نباید هم چرا باید از خزانه دولت يك چیزی بآنها داده شود خوب است این را توضیح بفرمایند .

**معاون وزارت مالیه** - آنچه وزارت مالیه در این اواخر کشف کرد این بود که بواسطه عدم شرکت میرزا حسنخان با مستشار این قضیه واقع شد چون میرزا حسن خان بواسطه عدم شرکت در خیانت بارتیس خودش کشته شده بود و در خدمت دولت بود وزارت مالیه برای تسویق سایر مستخدمین دولت لازم دانست که ترحمی بورات او بشود قصدش این بود که حقوق مستشار الحکماء را کلبه قطع کرده ضبط نماید در مقابل يك چیزی هم پورات آن مقبول بیچاره برسد این بود که پیشنهاد کرد که این قشون مستشار الحکماء را در حق او برقرار نماید .

**نایب رئیس** - پیشنهادی از آقای حاج سید ابراهیم شده است فرائت میشود ( بعبارت ذیل فرائت شد ) بنده تقاضا میکنم که این ماده تجزیه شود قطع و برقراری علیحدہ رای گرفته شود .

**نایب رئیس** - جزء اولی خوانده میشود و رای گرفته میشود .

**مشیر حضور** - بنده میخواستم از مجیر کمیسیون سؤال کنم که تمام حقوق مستشار الحکماء همین یکصد و هشتاد تومان است خیر .

مخیر کمیسیون بودجه عز الممالک - بنده هم درست مسبقاً بستم ولی گویا همین قدرها باشد .

**سلیمان میرزا** - بنده هم همین عرض را داشتم که کلبه حقوق مستشار الحکماء مقطوع باشد .

**حاج عز الممالک** - بنده هم همین را از طرف کمیسیون قبول میکنم ( جزء اول بعبارت ذیل فرائت شد ) کلبه حقوق مستشار الحکماء مقطوع است **نایب رئیس** - هر يك از آقایان این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد در این موقع اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان از این قرار امضاء نمودند ورقه سفید ۵۷ اوراق سفید بی امضاء ۱۱ .

**نایب رئیس** - رای میکنیم باین ماده تانی آقایانیکه تصویب میکنند این ماده را ورقه سفید و آقایانیکه رد میکنند ورقه آبی خواهند داد ( شروع باخذ رای شده و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق را از این قرار امضاء نمودند ) ورقه سفید ۱۰ ورقه کبود ۸ .

**نایب رئیس** - بلا تکلیف مانند رایسورت کمیسیون بودجه در باب ورثه مرحوم وکیل التجار فرائت میشود .

( بعبارت ذیل فرائت شد ) در کمیسیون بودجه - لایحه وزارت مالیه راجع بورات مرحوم وکیل التجار فرائت گردیده نظر بخدمتیکه مرحوم وکیل التجار از ابتدای مشروطیت و دوره انقلاب و راه درازی نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مبلغ پنجاه تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم مزبور پس قرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون با اکثریت ماهیانه بیست تومان تصویب مینماید .

ماده - مبلغ بیست تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم وکیل التجار پانزده ساله برقرار میشود .

**نایب رئیس** - این رایسورت مطرح مذاکره گردید و رای هم گرفته شد لکن بلا تکلیف مانده است حالا دوم تریه رای میکنیم هر يك از آقایان که تصویب میکنند ماهی بیست تومان در حق ورثه مرحوم وکیل التجار ورقه سفید والا ورقه آبی خواهند داد شروع باخذ اوراق شد آقای حاج میرزا رضاخان اوراق را از این قرار امضاء نمودند ورقه سفید ۳۱ ورقه آبی ۳ .

**نایب رئیس** - اینهم بلا تکلیف ماند چون چیزی در دستور نداریم اگر آقایان تصویب میکنند جلسه را ختم میکنیم و چون برای جلسه آتی قانون انتخابات جزء دستور باید بشود و رایسورت هم تمام نشده و بعضی نظرات لازم دارد از برای اینکه رایسورت در این چند روزه حاضر شود جلسه شب یکشنبه را موقوف میکنیم و جلسه آتی روز سه شنبه دوم ماه ساعت شش و پنج برقرار است و دستور آن جلسه هم از این قرار است .

شور دوم رایسورت کمیسیون نظامنامه انتخابات رایسورت کمیسیون بودجه راجع تخفیف قنات یعقوبیه بزد ایضاً رایسورت کمیسیون بودجه راجع بترجم نظام .

**معاون وزارت مالیه** - چون استخدام مستخدمین بلژیکی نهایت اهمیت را دارد و در تأخیرش بعضی مفاسد ممکن است بروز کند بنده تقاضا میکنم جزء دستور جلسه آتی شود . **نایب رئیس** - بسیار خوب مجلس چهار ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد . **جلسه ۲۹۸** **صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۲ شهر شوال ۱۳۲۹** **رئیس** - آقای مؤتمن الملک دو ساعت و نیم بفریب مانده بجای خود جلوس نمودند و پس از ده

دقیقه مجلس افتتاح شد صورت مجلس شب جمعه ۲۸ شهر رمضان را آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرائت نمودند .

غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقایان مدین الراعی و آقا سید محمد باقر ادیب - تربیت دکتر امیر خان - حاج امام جمعه خوشی - غائبین با اجازه آقایان حاج آقا - افتخار الواعظین آقا محمد بروجردی - لواء الدوله - مؤتمن السلطنه - ادیب التجار حاج شیخ رئیس آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقایان حاج سید نصرالله - طباطبائی - دکتر علیخان هر يك چهل دقیقه آقا میرزا احمد دمخوارقانی - نیر السلطان - آقا میرزا رضای مستوفی هر يك نیم ساعت آقا میرزا یانس ۲۵ دقیقه شریف - العلماء یک ساعت .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد . **وزیر داخله** - چون در این چند روزه انتشاراتی از طرف مترجمین راجع بجمعیتهای که با سالارالدوله است منتشر شده بود اگر چه انتشاراتی که میدادند بکلی گداز و اغراق است و هیئت دولت هم در جلوگیری آنها اقدامات لازمه کسب کرده و قوی کافی فرستاده اند ولی برای آنکه اهالی شهر در وحشت نباشند قرار شد هیئت دولت ترتیبی بدهند که اسباب آسایش اهالی شهر فراهم شود چون بعضی استحکامات اطراف شهر خراب شده بود تعمیر شود يك سوار و يك سربازی مراقب شهر باشد و بعضی نقاط را توبی گذاشتند گویا اهالی شهر يك تفریحی پیدا کرده اند که شاید جمعیت سالارالدوله همان صورت است که مترجمین میگویند ولی چون ما لب اینطور نیست رایسورت رباط کرم که بتوسط تلفون رسیده است لازم است عرض کنیم اردوی سردار ظفر که در قم بود بر حسب حکم وزارت جلیله جنک حرکت کرد برای سواره در سواره مصادف میشوند با اردوی سالارالدوله و جنگی میکنند مطابق رایسورتی که رسیده است بکلی آنها را متفرق میکنند و قرار میکنند بطرف شاهسون کشی میروند این رایسورتی میگوید محتمل است که شاهسون کشی را دو باره سنگر بکنند ولی صحت و سقم این مطلب معلوم نیست و اردوی طهران هم که بشمس آباد حرکت میکنند و این دو اردو ملحق میشوند بیک دیگر و گمان میکنم بهیچوجه جای نگرانی نباشد و دفع شراشرا بزدی خواهد شد مطلب دیگر که لازمی دانستم عرض بکنم این است که مخصوصاً در پروگرام هیئت وزراء مندرج بود که نظامنامه انتخابات بنظر هیئت وزراء برسد و نظرات خود را بنمایند و چنانچه شنیده ام امروز جزء دستور شده است تقاضا میکنم که امروز جزء دستور نشود و رایسورت کمیسیون را بهیئت وزراء بفرستند که ملاحظاتی خود را کرده و در ضمن پنج شش روز ضمیمه رایسورت کمیسیون نمود و بمجلس تقدیم نمایند .

**رئیس** - در مسئله اول از شرحی که آقای وزیر داخله اطلاع بمجلس شورای ملی دادند اسباب مسرت و خوشوقتی تمام نمایندگان است و ما همه می دانیم که این اتفاقات اینقدر اهمیت ندارد و در مقابل قوای ملی و فداکاری مجاهدین غیور و جانفشانیهای افراد بختباری و نظام هیچکس تاب مقاومت نخواهد آورد این را خودمان میدانستیم حالاً هم در این موقع بنده از طرف هیئت تشکرات خود را بخوانم بختباری و صاحب منصبان نظام رؤساء و مجاهدین تقدیم میکنم و از آقای وزیر داخله خواهش میکنم که مراتب مسرت و خوشوقتی رضامندی نمایندگان را بصاحب منصبان اردو و خوانین بختباری و رؤساء مجاهدین ابلاغ نمایند ( همه گفتند صحیح است ) و اما در مسئله دوم این اجازه مالتیکه خواسته شده است برای مسئله تعویق نظامنامه انتخابات است ( گفتند بله )

**حاج شیخ اسدالله** - در کمیسیون نظامنامه انتخابات چنانچه شنیده شد مستشار وزارت داخله و جمعی هم از طرف دولت معین شده در کمیسیون حاضر شده و نظرات خودشان را در این نظامنامه انتخابات بیان کرده اند و این مطلب جزء دستور شده است و اظهاراتی هم که بیان شده است در کلماتش بوده است و حالا در مواد باید مذاکره شود بنظر بنده اهمیت ندارد که هیئت دولت در این نظریاتی نماید ممکن است در آن مواد مذاکره شود و اگر دولت نظریاتی دارد در جلسه آتی اظهار کند بقیه بنده همین قسم که جزء دستور بوده است جزء دستور باشد چون دوره قریب با اختتام است و هر قدر ماسمی داریم باید بکنیم که این نظامنامه انتخابات تمام شود و از هیئت دولت نظریات اساسی داشته باشند در بین این جلسه و جلسه آتی میتوانند نظریات خودشان را ضمیمه کرده تقدیم مجلس شورای ملی نمایند .

**حاج آقا** - بنده واقفاً تعجب میکنم در يك مطلبی که جزء پروگرام وزراء وارد مجلس شورای ملی میشود و همه تصویب میکنند و هنوز چیزی نگذشته است که ۲ مرتبه بر خلاف آن ترتیب رفتار میشود و حال آن که دیدند که هیئت دولت شب و روز مشغول بوده اند و مسامحه نکردند و علاوه بر آن اگر جزء پروگرام هم نبود حق آنها بود که نظریاتی در آن نمایند زیرا که اجرائیست آنهاست حالا چه ضرر دارد ۳ روز ۴ روز عقب تر باشد این معنی ندارد در چیزی که ما رای بدهیم بعد هیئت دولت هم تقاضا بکنند نظریاتی در آن نمایند در حالیکه نظرش نظر مشروعی است و مطابق پروگرام وزراء هم هست و جمیعاً هم دولت معین کرده و هر روز در کمیسیون مینشینند و مشغول گفتگو هستند و هنوز تمام نشده و رایسورت آن بمجلس نیامده تقاضا میکنم که جزء دستور شود بنده این تقاضای هیئت دولت را واقفاً مشروع میدانم و تصویب میکنم که بماتند نظریات خودشان را بکنند بعد بمجلس شورای ملی برگردانند .

**ذکاء الملک مخیر** - اینجا اختلافی در بین نیست آقایانیکه میفرمایند جزء دستور باشد نظراتشان این است که هیئت دولت موافق همان ماده پروگرام نظریات خودشان را کرده اند بواسطه اینکه هیئت دولت مأموریتی از جانب خودشان بکمیسیون فرستاده اند و آن مأمورین نظرات خود را بیان نموده اند و اگر از جانب هیئت دولت نبودند حق نداشتند

دائیم که این اتفاقات اینقدر اهمیت ندارد و در مقابل قوای ملی و فداکاری مجاهدین غیور و جانفشانیهای افراد بختباری و نظام هیچکس تاب مقاومت نخواهد آورد این را خودمان میدانستیم حالاً هم در این موقع بنده از طرف هیئت تشکرات خود را بخوانم بختباری و صاحب منصبان نظام رؤساء و مجاهدین تقدیم میکنم و از آقای وزیر داخله خواهش میکنم که مراتب مسرت و خوشوقتی رضامندی نمایندگان را بصاحب منصبان اردو و خوانین بختباری و رؤساء مجاهدین ابلاغ نمایند ( همه گفتند صحیح است ) و اما در مسئله دوم این اجازه مالتیکه خواسته شده است برای مسئله تعویق نظامنامه انتخابات است ( گفتند بله )

**حاج شیخ اسدالله** - در کمیسیون نظامنامه انتخابات چنانچه شنیده شد مستشار وزارت داخله و جمعی هم از طرف دولت معین شده در کمیسیون حاضر شده و نظرات خودشان را در این نظامنامه انتخابات بیان کرده اند و این مطلب جزء دستور شده است و اظهاراتی هم که بیان شده است در کلماتش بوده است و حالا در مواد باید مذاکره شود بنظر بنده اهمیت ندارد که هیئت دولت در این نظریاتی نماید ممکن است در آن مواد مذاکره شود و اگر دولت نظریاتی دارد در جلسه آتی اظهار کند بقیه بنده همین قسم که جزء دستور بوده است جزء دستور باشد چون دوره قریب با اختتام است و هر قدر ماسمی داریم باید بکنیم که این نظامنامه انتخابات تمام شود و از هیئت دولت نظریات اساسی داشته باشند در بین این جلسه و جلسه آتی میتوانند نظریات خودشان را ضمیمه کرده تقدیم مجلس شورای ملی نمایند .

**حاج آقا** - بنده واقفاً تعجب میکنم در يك مطلبی که جزء پروگرام وزراء وارد مجلس شورای ملی میشود و همه تصویب میکنند و هنوز چیزی نگذشته است که ۲ مرتبه بر خلاف آن ترتیب رفتار میشود و حال آن که دیدند که هیئت دولت شب و روز مشغول بوده اند و مسامحه نکردند و علاوه بر آن اگر جزء پروگرام هم نبود حق آنها بود که نظریاتی در آن نمایند زیرا که اجرائیست آنهاست حالا چه ضرر دارد ۳ روز ۴ روز عقب تر باشد این معنی ندارد در چیزی که ما رای بدهیم بعد هیئت دولت هم تقاضا بکنند نظریاتی در آن نمایند در حالیکه نظرش نظر مشروعی است و مطابق پروگرام وزراء هم هست و جمیعاً هم دولت معین کرده و هر روز در کمیسیون مینشینند و مشغول گفتگو هستند و هنوز تمام نشده و رایسورت آن بمجلس نیامده تقاضا میکنم که جزء دستور شود بنده این تقاضای هیئت دولت را واقفاً مشروع میدانم و تصویب میکنم که بماتند نظریات خودشان را بکنند بعد بمجلس شورای ملی برگردانند .

**ذکاء الملک مخیر** - اینجا اختلافی در بین نیست آقایانیکه میفرمایند جزء دستور باشد نظراتشان این است که هیئت دولت موافق همان ماده پروگرام نظریات خودشان را کرده اند بواسطه اینکه هیئت دولت مأموریتی از جانب خودشان بکمیسیون فرستاده اند و آن مأمورین نظرات خود را بیان نموده اند و اگر از جانب هیئت دولت نبودند حق نداشتند

**وزیر مالیه** - میخواستم بدانم که آقایان نمایندگان که رای ندادند و رد کردند نظراتشان بساین بوده است که این دو معیل مستخدمین بلژیکی لازم ندارد یا آن که این ۶ نفر بخصوصاً میخواهند

یابند حتی اینکه کمیسیون هم شرکت رای بآن ها داد و رای خودشان را هم داده اند حالا معذک ما مخالف نیستیم که آقایان وزراء اگر نظری دارند اظهار بفرمایند ولی همانطوری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند آن موادیکه امر ز مطرح مذاکره خواهد شد نظریاتی اگر داشته باشند حالا حاضرند میفرمایند و اگر از برای جلسات دیگر هم میفرمایند چون وقت واقفاً خیلی تنگ است و ما با این تنگی وقت میترسیم که موفق نشویم که این قانون را تمام کنیم و بگذرانیم اگر این تقاضای خودشان را پس بگیرند بهتر است .

**وزیر داخله** - بنده تصدیق میکنم که هیئت دولت يك عدد را فرستادند برای اینکه شرکت بکنند در گذشتن نظامنامه انتخابات ولی باید فهمید که آنها در چه مأموریت داشتند برای این مأموریت داشتند که با مضای کمیسیون ترتیب حوزه بندی و ترتیب انتخابات را بگیرند و مناقات ندارد بعد از آن که مأمورین دولت نظریات مقدماتی خودشان را گفتند این لایحه به هیئت وزراء برود و وزراء هم از خود شها هستند فرقی ندارد نظر بکمال اتحادی که دارند آن همام می خواهند زود تر نظامنامه انتخابات بگذرد و شاید ملاحظاتی داشته باشند هیئت وزراء که بر نمایندگان محترم مکتوم باشد آن ها میروند نظرات خودشان را میکنند و بنده قون میدهم که این مسئله در ظرف پنج شش روز تمام شود و به مجلس تقدیم شود .

**رئیس** - بیش از این گویا مذاکرات لازم نباشد رای میکنیم که این قانون انتخابات امروز جزء دستور باشد یا اینکه بماتند برای دو جلسه بعد آقایانیکه تصویب میکنند که بماتند برای دو جلسه بعد قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - لایحه وزارت مالیه راجع باسخدام نه نفر بلژیکی چند جلسه قبل مطرح شده است هفت فقره از آن تصویب شده و دو فقره آن رد شده بود در جلسه قبل در کلبه آن هفت فقره رای گرفته بلا تکلیف مانده بود - حالا باید امروز بدون مذاکره رای بگیریم چون بنده در آن جلسه نبودم نباید مذاکره ختم شده است یا نشده است اگر مذاکره ختم شده است دیگر نمیتوانیم مذاکره بکنیم شما در جلسه قبل نایب رئیس بوده اید مذاکره ختم شده بود یا خیر

**میرزا مرتضی قلیخان** - بلی مذاکرات شد و تمام شده بود رای گرفته شد ولی بلا تکلیف ماند .

**رئیس** - پس دیگر نمیتوانیم مذاکره کنیم اسامی آن هفت نفر که تصویب شده بود خوانده می شود و بعد رای میکنیم . ( بترتیب ذیل فرائت شد ) مسیو یوکیفر رئیس گمرک انزلی گنستان رئیس گمرک بندر بو شهر مسیو ایسکن رئیس گمرک جلفا اندریو رئیس گمرک آستانارا و کراو رئیس گمرک بندر عباس فویرون رئیس گمرک مشهد دوم مغش گمرکات آذربایجان .

**وزیر مالیه** - میخواستم بدانم که آقایان نمایندگان که رای ندادند و رد کردند نظراتشان بساین بوده است که این دو معیل مستخدمین بلژیکی لازم ندارد یا آن که این ۶ نفر بخصوصاً میخواهند



**رئیس** - چون مذاکرات ختم شده است نمیتوانیم مذاکره بکنیم اگر لازم باشد میتواند بعد بپیشنهاد بکنید حالا رای میگیریم در این لایحه راجع بان هفت فقره آقاییکه تصویب میکنند و رفته سفید و آقاییکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد در این موقع شروع باخذ آراء شد آقای حاج میرزا رضا خان اوراق رای را بده ذیل احصاء نمودند ورقه سفید (۴۴) ورقه آبی (۱۲) بلاسلام

**رئیس** - با اکثریت ۴۴ رای از هفتاد و نه نفر نمایندگان حاضر تصویب شد آقای وزیر مالیه تقاضا کرده این بماند مجلس بعد.

**وزیر مالیه** - در خصوص فقره اولی کمی ماند برای بعد و پیشنهاد خواهم کرد لکن در فقره ثانی راجع بحساب وزارت پست و تلگراف پیش نهاد کردم که اورا رجوع بکمیسیون فرمائید تا اولیه لزوم آن را عرض کنم.

**رئیس** - این مسئله از مجلس رد شده است نمیتوانیم رجوع کنیم بکمیسیون.

**وزیر مالیه** - آن وقت اسمشرا ننوشته بوده حالا اسمش را نوشته ام مسیو نیو است

**رئیس** - میخواهد برای جلسه آتی بگذاریم تا این که بنویسد برای بعد از تنفس مذاکره می کنیم.

**وزیر مالیه** - ضروری ندارد باشد برای جلسه آتی.

**رئیس** - راپورت کمیسیون معارف راجع به مترجم نظام خوانده میشود ( راپورت کمیسیون معارف بمضمون ذیل خوانده شد )

ماده اول ... برای مخارج تحصیل سه ساله در هر يك سالی ششصد و پنجاه تومان وزارت معارف اعتبار داده میشود.

**رئیس** - این مسئله هم مذاکره شد و رای گرفته شده بلا تکلیف مانده است حالا بدون مذاکره رای میگیریم آقاییکه تصویب میکنند سالی شش صد و پنجاه تومان برای مخارج سه ساله در آمریکا اعتبار داده میشود بوزارت معارف قیام نمایند ( بعضی قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب نشد راپورت کمیسیون بودجه راجع بقنات یعقوبیه یزد خوانده میشود و رای میگیریم ( بعبارت ذیل قرائت شد ) از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی.

لایحه وزارت مالیه راجع بشکست قنات یعقوبیه یزد قرائت گردید و زارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مالیات قنات مزبور تخفیف داده شد در عوض عشا عایدی آنجا دریافت پس از مذاکرات لازمه به پیشنهاد وزارت مالیه و اطلاع بعضی از نمایندگان محترم راجع بشکست قنات یعقوبیه عین پیشنهاد وزارت مطابق ماده قبل تصویب گردید ماده مالیات قنات یعقوبیه تخفیف واز هذالسنه تنگ و زایل بماند معاش عایدی قنات مزبور در یافت میشود.

**رئیس** - در این باب مخالفی هست

**افتخار الواعظین** - بنده میخواستم از مخیر کمیسیون سؤال کنم که توضیح بدهند این قنات از چه تاریخی مخروبه شده است و چه شکل تخفیف داده خواهد شد و وقتیکه این عشا را خواهند گرفت

از تمام عایدی خواهند گرفت یا از سهم از بای و مالیات اول آن چقدر بوده اینها را خوب توضیح بدهند تا در موقع رای گرفتن معلوم باشد

**حاج ع الممالک** - راجع به تخفیف آنجا تخفیفی که از وزارت مالیه پیشنهاد شده است پس از تصویب و پیشنهاد انجمن ولایتی است که تصدیق میکند مستحق این تخفیف میشد و خود اهالی هم اظهار کرده بودند که وقتی تخفیف داده شد و آبدی شد عشا عایدی آنجا را از ایات مالیات ببردازد و دیگری زیاده بر این توضیحاتی ندارد

**حاج وکیل الرعا** - مخالفت بنده باین است که هیچ وقت گمان نداریم که منتظر باشیم که از یک عشا عایدات مالیات بیشتر بگیریم برای دولت هم این کافی است بشرط آنکه در باب عموم باشد و در آنجا باید نوشت از خالص عایدات اگر بنا شود این قنات را به هزار تومان اجاره بدهند و صد تومان شرا بدولت بدهند ممکن است که هشت صد تومان آن قنات خرج داشته باشد در این صورت نصف را دولت برده است باید همه جا نظیر دولت بخالص عایدات باشد و بیش از این هم حق ندارد و بنده نمیتوانم پیش از این حق برای دولت فروش کنم اگر از خالص عایدات نسبت بنده مخالفم و نمیتوانم رای بدهم.

**حاج آقا** - در دفعه اول که این راپورت تقدیم مجلس شد توضیحات بقدر کفایت داده شد امروز هم این گفتگو ها مانده میشود مالیات اولش چقدر بوده و چندر باید تخفیف داد گمان میکنم راجع به يك قنات که لزوم تخفیف آن را وزارت مالیه بانجمن مجلسی و کمیسیون بودجه تصدیق میکنند که امروزه مخروبه است و عایدات ندارد و اگر این تحمیلات دولتی مرفوع شود ممکن است بعد از این آباد شود و فایده اش برای دولت زائد بر این مناقصی باشد که حالا دولت میرسد جای هیچ کدام از این سئوالات و گفتگو ها نباشد فقط چیزیکه ما لازم داریم این است که مایاید بدانیم که این قنات خراب شده است و عایداتی ندارد و آن آقاییکه دارد تحمیل است بر آنها و اسباب خرابی آنجا بیشتر میشود بعد از این که آنرا فهمیدم و وزارت مالیه و انجمن محل تصدیق کرد والا باید این تخفیف را داد و ما هم آن نیم عشر را خواهیم گرفت و بدیهی است خراج از آباد گرفته میشود از خراب و بعد از آنکه آباد شد مالیات از او گرفته میشود و آن محل عایدات دولت میشود و آن نظریکه آقای حاج وکیل الرعا فرمودند بدیهی است در اینجا مثل سایر موارد است و بعد هم که از محل های دیگر هم بخواهیم مالیات بگیریم همان عشر را خواهیم گرفت

**حاج وکیل الرعا** - بنده باینکه یکی از نمایندگان فرمایند که این البته معلوم است نمی توانیم آن را قانون بشیریم قانون این است که در این جا نوشته شود و رای گرفته شود و باز هم جای اعتراض بنده باقی است نمیگویم و حالا چه میشود همین قدر میگویم که مالیات آنجا آنچه حقاً باید بدولت برسد از خالص عایدات است و اگر بنا باشد ده يك باید بدون قید از خالص عایدات باز هم آن چیزهاییکه تا امروز مردم را برحمت انداخته است باقی خواهد بود و بنده در آن رای ندارم

انداخته بودند و تعطیل نظمیه آنجا را اطلاع داده بودند و بنده خودم رفتم و چهار هزار تومان حواله گرفتم بنا شد که بجهت آنها بفرستند و از نظمیه قزوین و حکومت قزوین گفته اند که این چهار هزار تومان نرسیده است و سؤالی دیگر بنده راجع بحکومت مملکت آذربایجان است اگر چه تمام نقاط را استمنا میکنم طرف توجه قرار بدهید ولی نقطه آذربایجان نقطه مهمه این مملکت و چشم مملکت نقطه آذربایجان است و تا این ساعت قریب ششما است حکومت سابق آنجا متصل شده است و در این ششماه هنوز حکومت با آنجا زفته است و ششماه شد که حکومت هم بجهت آنجا معین شده است تا این ساعت علت تأخیر رفتن حکمران چه بوده است و میتوانست فرماید که تا چند روز دیگر حکومت آنجا میرود اینهمه خسارتی که یا هالی آنجا وارد شده با بودن حکمران و فرمانفرمای آنجا رفع این معاذیر بشود.

**وزیر داخله** - در جواب سؤالات آقای ادیب - التجار عرض میکنند اولاً در مسئله وضع نان اگر فعلا قدری دچار عسرت و سختی شده است بواسطه همین اشتها رات است که بگذردی گندم کم وارد شد و امیدواریم بعد از اینکه رفع این ترتیبات شد گندم زیاد وارد بکنند و رفع این سختی و عسرت بشود و امروز هم که میآیدم بمجلس اقدامات کردم و گندم بترتیبی که حکومت طهران مقتضی میدانند نانها را حاضر بکنند و اگر مقتضی بدانند يك كسکی هم از طرف دولت در این چند روزه بشود اما در اینکه میفرمایند وزارت داخله برای تا آخر سال چه تهیه دیده یا خواهد دید آنرا هم وزارت داخله با خزانه دار کل مذاکره کرده و خزانه دار کل بعهده گرفته که سه ماهه سی هزار خروار گندم وارد انبار دولتی بکنند و وقتیکه سی هزار خروار بلکه کمتر گندم حاضر شد اهالی راحت میشوند و امرتان سهل میشود و جای نگرانی نیست و اما در مسئله خیابازات که میگویند هیئت دولت چه اقدامی کرده است عرض میکنم جزء پروگرام هیئت دولت همین مسئله مجازات بود که مادامیکه قانون مجازات از مجلس نگذشته است پیشنهاد کرده بودند بترتیبیکه هیئت دولت مقتضی بدانند یعنی يك فواید موقتی وضع بکنند که در مواقع لزوم آن قواعد موقتی مجازات داده شود اما در باب مجازات صاحب منصبان یعنی اردوئیکه سمت استر اباد فرستاده شده بود در سمت سمنان از آنها بعضی حرکات ناشی شده بود و حمل بر خیانت شد آنها را جلب بجا کلمات عسکریه کرده اند و مشغول محاکمه آنها هستند و هنوز محاکمه آنها تمام نشده است وقتیکه محاکمه آنها تمام شد البته هر طوری قضاة نظامی حکم بدهند مجازات داده خواهند شد و مسئله مجازات اشرا قزوین هم بحکومت آنجا دستور العمل داده شده است که بترتیبیکه وزارت داخله میدانند آنها را هم بمجازات برسانند اما در مسئله نظمیه قزوین بطوریکه فرمودید ۴ هزار تومان بریاست نظمیه قزوین داده شده است و معلوم نیست بچه مصرف رسانیده است و بحکومت قزوین تعلیمات داده شده است که او را بخواهند و رسیدگی بکنند بیند این ۴ هزار تومان را بچه مصرف رسانیده است و اگر بدست او رسیده است باجزاء نظمیه برسانند

و اگر بدست دیگری است آن را هم اظهار بدارد و در باب حقوق بعد از این نظمیه هم با اداره خزانه مناسکره شده و مرتب خواهد رسید اما در باب حکومت آذربایجان حاکم آذربایجان معین شده و استمداد نظامیکه باید اعزام شود در شرف حاضر شدن است و اعتباریکه حاکم آذربایجان خواسته بود با خزانه دار کل مذاکره و گفتگو کردیم امیدواریم که در ظرف يك هفته دیگر بتواند حاکم آذربایجان حرکات کند.

**رئیس** - چیز دیگر در دستور نیست.

**حاج آقا** - سؤال اول بنده راجع باقایی معاضد الملك است اگر چه مدتی است از موقع این سؤال گذشته است لکن این مطلب چون بطریق بود و بنظر بنده عموم و کسلی محترم دارای يك اهمیتی بود از این جهت مجبورم که این سؤال را کرده باشم و اقتضات وزیر داخله را در این خصوص بدانم آقای معاضد الملك که بهترین و صالح ترین اعضای مجلس شورای بود و شاهد بر این عرضم نقض آقای رئیس است که در موقع معاودت ایشان فرمودند و تمام اعضای مجلس شورای ملی بامانت و دیانت و سلامت نفس ایشان را میشناختند در اول حکومت نظامی يك اتفاقی بجهت ایشان افتاد و بر حسب تقاضای خودشان در محاکم عسکریه محاکمه شد و معلوم شد که غرض همین واضعی نسبت بایشان اعمال شده است حتی اعضای محاکم عسکریه در راپورتشان گفتند که با آن اعمال غرض نیست به آقای معاضد الملك شده است اگر آن کسی که مرتکب اعمال این غرض بوده مجازات نشود ما ناچاریم که استمنا بدهیم و این راپورت بوزارت داخله هم ابلاغ شد و خواهش کردند و در صدد مجازات شخص مرتکب بر آیند و منشاء فساد را مجازات سخت بدهند بنده میخواستم سؤال کنم که در این موقع اقدامات آقای وزیر داخله راجع بامر آقای معاضد الملك چیست سؤال دیگر بنده راجع بابایات فارس است که البته میدانید که مدتی است در فارس بعضی مقوله ها شده است که اسباب اغتشاش و فساد شده است اقدامات اخیر وزارت داخله را در باب امر فارس میخواستم اگر حاضر هستند برای جواب بیان فرمائید.

**وزیر داخله** - در مسئله آقای معاضد الملك اگر چه اخیراً سؤالی نشده بود و بنده هم حاضر نبودم برای جواب لکن همیشه عرض میکنم که بنده تصدیق دارم و این اتفاق بی جبهه بوده و تأسف دارم که این واقعه برای ایشان واقع شده است و مختصراً جواب میدهم همان وقتی که این واقعه برای ایشان بظهور رسید و بعضی از نمایندگان محترم آمدند اظهار کردند و من هم از نظمیه بعضی تحقیقات کردم و آن اشخاصیکه در این کار دخالت داشتند خواستم که حاضر شوند حضوراً و شخصاً تحقیقاتی بکنم لکن بواسطه این واقعاتی که پیش آمد ممکن نشد نه اینکه مضایقه کرده باشند حاضر شوند نتوانستند حاضر شوند البته وقتیکه مسیو بفرم خان مراجعت کردند مخصوصاً اورا میخواهم و تحقیقات لازمه را خواهم کرد البته بایستی جریان این توهین بشود اما در مسئله فارس خود آقای حاج آقا مسیوق هستند اقدامات دولت در این باب چه بوده است لکن محض

مزید اطلاع است که عرض میکنم شاهزاده فرمانفرما معین شده است و بزودی هم حرکت میکنند و از روزی که حکومت بایشان داده شده است عمل فارس خوب است و امیدواریم که بزودی رفع اغتشاش فارس بشود.

**حاج آقا** - بنده خواهش دارم از آقای وزیر داخله که در باب اقدامات راجع به آقای معاضد الملك اقدامات خودشان را تعقیب بکنند و امتداد بدهند بجهت اینکه آقای معاضد الملك یکی از اشخاص وطن پرست است و خدمات ایشان نسبت بملت و مملکت از روی درستی و خلوص نیت بوده است و ایشان را بهترین اشخاص این مملکت میتوان شمرد و اینطور اشخاص بایستی در امور مملکت داخل شوند و نباید وجود ایشان عاقل و باطل بماند.

**رئیس** - در باب این سؤال بنده هر چه گشتم اسم جناب را ندیدم.

**حاج آقا** - همچو خیال کردم که قبل از آنکه وزیر داخله بمجلس تشریف بیاورند مسیوق هستند ولی معلوم میشود که مسیوقشان نکرده اند مدتی است که بنده این سؤال را کرده ام.

**رئیس** - همچو چیزی نیست - جلسه را ختم میکنیم چون در دستور چیز دیگری نداریم دستور جلسه آتی طرح قانونی راجع بحدود مصلحت معاونین وزراء - راپورت کمیسیون بودجه راجع به ورثه اسدالله خان مقتول بختیاری ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بعقوبت ایتهاج السلطنه آقای منتصر السلطان راجع بدستور فرمایشی دارید.

**منتصر السلطان** - چیز دیگری از این دوره باقی نمانده است و ما قانون شرکها و قانون پستی که از مهمترین قانونها است و چقدر وقتها شد و شور اول این دو قانون هم در مجلس شده است تمام نکرده ایم خیلی مناسف هستم که این دو قانون چندین ماه است که بمجلس عودت نکرده است اگر ممکن است مقرر فرمائید در جلسه آتی جزء دستور شود و اگر نمیشود اقلاً تا جلسه دیگر جزء دستور شود و در این دوره این دو قانون بگذرد خیلی تأسف میخورم اگر این دو قانون مهم در این دوره نگذرد

**رئیس** - بله هیچکدام حاضر نیست و تا کید شده است بکمیسیون که زودتر راپورت بدهد و وقتیکه حاضر شد جزء دستور میگذاریم.

**و رئیس** - آقای افتخار الواعظین در دستور فرمایشی است ؟

**افتخار الواعظین** - راپورت کمیسیون بودجه در باب ورثه مرحوم یحیی خان سرتیب بگذاشته دیگر هم بمجلس آمده است بلا تکلیف مانده است چون خدمات یحیی خان نسبت بازادی و مشروطیت است و همه آقاییان نمایندگان از خدمات او مسیوق هستند تقاضا میکنم که جزء دستور آتی گذاشته شود و تکلیف او هم معلوم شود.

**رئیس** - دو فقره راپورت کمیسیون بودجه را که جزء دستور گذاشته ایم تمام راپورت های کمیسیون بودجه را بنده اینجا حاضر دارم در جلسه آتی اگر آن طرح قانونی را گذرانند آنوقت هر کدام را که



**آقایان تقاضا بکنند** ممکن است جزء دستور بگذاریم **لواء الدوله** - بنده هم در این خصوص میخواستم عرض کنم که آقای افشارالواعظین فرمودند **حاج و کل الرعايا** - اگر چه در بین مجلس هم در بین مذاکره مطلبی از طرف وزارت مالیه اظهار شد و آنهم جزء دستور بود گمان میکنم وزیر مالیه هم آن پیشهاد خودش را تاجسه آتیه تقدیم نماید جزء دستور گذاشته شود بهتر است.

**رئیس** - تا لایحه جدیدی نباید ممکن نیست جزء دستور گذاشته شود (مجلس یکساعت قبل از غروب ختم شد)

**جلسه ۲۹۹**  
**صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه چهار شهر شوال المکرم ۱۳۲۶**  
مجلس دو ساعت و نیم غروب مانده در جلسه ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح شد صورت مجلس روز ۳ شنبه دوم را آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت کردند غائبین بدون اجازه جلسه قبل - آقایان متین السلطنه - تربیت - ابوالقاسم میرزا - آقاسید محمد باقر ادیب - غائبین با اجازه آقایان دکتر امیرخان - مساوات - سلیمان میرزا - حاج شیخ رئیس - آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند - آقای حاج آقا (۳۵ دقیقه - آقا - شیخ رضا (۴۰ دقیقه).

**رئیس** - آقای حاج آقا ایرادی دارید در صورت مجلس

**حاج آقا** - آقای وزیر داخله در جواب بنده تصدیق فرمودند که بالنسبه به آقای معاضدالملک اعمال بعضی ترتیبات واقع شده بود و فرمودند در مقام تحقیق لزومشاه غرض قدری تاخیر افتاده معنی یک مقداری اتفاقات اسباب شد که تاخیر افتاده و اینطوریکه در صورت مجلس نوشته است همچو میرساند که اصل این مطلب که اعمال بعضی اغراض بالنسبه به آقای معاضدالملک شده است محل تردید بوده و حال اینکه اینطور نه بوده است.

**رئیس** - از همین فرار اصلاح می شود دیگر ملاحظاتی نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

**وزیر داخله** - چون در دستور جلسه امروز نوشته شده طرح قانونی راجع به معاونت وزراء مطرح شود در روز هم بنده شرحی عرض کرده بودم و باز هم تأکید میکنم که این طرح باید بنظر وزراء برسد و نظریات خودشان را پیشنهاد بکنند علاوه این همچو امر مستعجلی نیست که باین زودی قرائت شود تقاضا میکنم که از دستور جلسه امروز خارج شود تا هیئت وزراء نظریات خود را بنمایند

**رئیس** - یک مسئله است و آن این است که این شور اولی است و شور اولی هم تقریباً گویا دو جلسه طول دارد و بعد هم پنجروز فاصله مابین شور اول و دوم میشود تقریباً ده روز طول خواهد کشید و چیزی هم در جزء دستور نداریم گمان می کنم عیبی نداشته باشد داخل مذاکره شویم و اگر وزراء نظریاتی داشته باشند در ضمن این روزها می توانند پیشنهاد کنند.

**وزیر داخله** - عقیده بنده این است که معتدل است بکلی این طرح قانونی را هیئت وزراء

رد بکنند باین جهت بود که عرض کردم از دستور امروز خارج شود.

**حاج شیخ اسدالله** = جواب فرمایش آقای وزیر داخله عرض میکنم این مطلبی که جزء دستور امروز شده است از طرف بعضی از نمایندگان این طرح پیشنهاد شده است بنده عقیده ام این است که فقط در لوائح و طرحهای قانونی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود وزراء حق دارند که حاضر شوند نظریات خودشان را بگویند اما بعد از آنی که در جزء دستور شده قانون اساسی این اجازه را میدهد نه نظامنامه داخلی که وزراء باین تقاضا بکنند که این طرح از دستور خارج شود بنده عرض میکنم همین طوری که جزء دستور شده است باید باشد و در ضمن شور اول و دوم اگر نظریاتی دارند باید بنمایند و نظریات خودشان را بین این مذاکرات بیان نمایند از دستور خارج شدن این مسئله هیچ صورتی ندارد بنده خلاف قانون میدانم.

**مهر زال ملک** - اولاً این نکته را باید عرض کنم که هیچ فرقی نیست بین یک قانونی که از یک نماینده پیشنهاد شود با از یک وزیری چون هر دو حق دارند وضع قانون بکنند و آن قانون باید در این مملکت اجراء بشود بنسبت همه وزراء باید اجراء بشود پس نمیشود تفکیک کرد بین یک قانونی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود با قانونیکه از طرف وزیری پیشنهاد میشود که اگر یک نماینده طرحی را پیشنهاد کرد وزیر حق نداشته باشد او را برای نظریات خودش تعویق بیندازد اگر ممکن بود همان طوری که آقای رئیس اظهار داشتند که در فاصله بین شور اول و دوم هیئت وزراء نظریات خودشان را اظهار میداشتند خیلی خوب بود و لایحه حالیه که وزراء این را صلاح نمی دانند و میخواهند یک نظری در او بنمایند البته حق دارند هر قانونی را تقاضا بکنند که وقت نظری در آن بکنند علی الخصوص در یک چنین قانونی که مستقیماً متعلق بخود وزراء است شاید خوب باشد و شاید هم بد باشد و اسباب یک اشکالی برای وزراء فراهم نیآورد که مجلس شورای ملی و مجبور شود آن قانون را فسخ کند علاوه بر این بعضی مطالب هست که نزاکت تقاضا میکند که انسان بپذیرد و بنده تصور میکنم که این یکی از آن مواقع است و گمان نمیکند که مخالفی باشد.

**رئیس** - دیگر بیش از این مذاکره گویا لازم نباشد رأی میکنم آقایانیکه تصویب میکنند که این لایحه بماند تا اینکه آقایان وزراء نظریات خودشان را بنمایند قیام نمایند (اغلب قیام کردند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد.

**وزیر داخله** - تلگرافی راجع بفتح اردوی دولتی از قم رسیده تقدیم آقای رئیس مینمایم که برای اطلاع حاضر آقایان و کلاه قرائت شود (بعضیون ذیل قرائت شد).

مقام هیئت وزراء نظام دام ظلهم العالی الیوم کسیم شهر شوال است قبل از طلوع آفتاب اردوی دولتی را از آسیا حرکت داده قبل از وقت پارودی سردار ظفر و سردار جنگ فرار داده بودیم که امروز باید بخواست خداوند کار اردوی سالار الدوله را کدر فرمایند باغشاهی در فرسخی ساوه منزل دارند

بکلی تمام کنیم باقیه صحیح اردو باقشون یاغبان تقابل گردید نظر علیخان استانی تمام تیمها و روهای سمت ساوه را گرفته پارودی سردار ظفر و سردار جنگ با کمال سختی میجنگند لکن داودخان کاهر و پسر والی پشت کوهی و سوادان همدانی و کردستانی و پسران ظهیر الملک کرمانشاهانی و حاجی علی رضاخان گروسی با پنجماده توپ هفت سانتیمتری و هشت سانتیمتری امپرش پارودی بندگان بنای جنگ را گذاردند دوساعت و نیم نثاره جنگ در اشتغال بوده بعد الله با حملات پیاپی که اردوی منصور عاقبت همگی ایشان شکست خورده فرار نمودند و اقامتچین فتح عبرت انگیزی تا بحال در این مملکت اتفاق نیفتاده است از قبیل پانصد نفر از سواران مزبور استانی کردستانی و کرمانشاهانی و همدانی و گروسی و قریه کازلیاس و کلاهشان معلوم است از قشون شرار - مقتول شده تمام چادرواهاشان بجای خود باقی مانده است پنجماده توپ دولت بجمدها مصرف اردو شده جمیع حضرات از همه جهت متجاوز از چهار هزار نفر بود که با صد نفر مقتول و بقیه فرار اختیار نمودند از اردوی دولتی و ده نفر سواره بختیاری مقتول و مجروح شده عجلاناً غیر از این مطلبی قابل راپورت نیست قریب یکصد نفر هم اسیر دستگیری شده لکن هنوز استنطاق نشده. غلامحسین - جعفر قلی - یفرم.

**رئیس** - بربروز در موقعی که آقای وزیر داخله راجع بفتح فنجی که رسیده بود اظهار داشتند بنده عرض کردم از روزیکه وزراء داخل کار شده اند با آن حدیثی که از هیئت وزراء مشاهده کرده ایم و با جانپزایی و جانفشانی مجاهدین و خوانین بختیاری و افراد نظام این واقعات هیچ اهمیتی ندارد و همه روزها خبرهای خوش بما خواهد رسید.

چنانچه مشاهده مینمایند این بکلی از دلایل غرضی است که بربروز بنده عرض کردم و این فتح نسبت بصرفاتی که از چندی بانظر شده چه از جهت عدم و چه از جهت تلفات که از طرف آنها کشته شده اهمیتش از همه بیشتر بوده و گمان میکنم که تمام آقایان با من متفق خواهند بود که از طرف مجلس شورای ملی در این موقع تلگرافی بر روی اردو بشود و مراتب تشکر و امتنان از طرف مجلس بانها بعمل بیاید.

(همه گفتند صحیح است)

**رئیس** - طرح قانون که جزء دستور بود معوق ماند دوقره راپورت کمیسیون بودجه یکی راجع به اسدخان بختیاری و یکی راجع به ابتهاج - السلطنه است اگر مخالفی نباشد مطرح شود (اظهار مخالفی نشد).

(راپورت کمیسیون بودجه راجع باسدالله خان بختیاری بمبارت ذیل قرائت شد) - کمیسیون بودجه بتاریخ یکشنبه ۶ محرم سه ساعت بغروب مانده در تحت ریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان تشکیل لایحه وزارت مالیه در خصوص مرحوم اسدالله خان بختیاری که در راه آزادی نیست در جنگ پادامک مقتول شده قرائت شد هشتاد تومان مرحوم اسدالله خان حقوق داشته و وزارت مالیه تقاضا نموده بودند تماماً در حق کلبعلی خان اخوی

او برقرار شود کمیسیون بودجه بعد از مذاکرات تصویب مینماید که نصف حقوق مرحوم اسدالله خان در حق ورثه قانونی آن برقرار و چون کلبعلی خان اخوی مرحوم اسدالله خان هم خدمات کامل در راه مشروطیت نموده چهل تومان مادام الحیوة درباره کلبعلی خان برقرار شود.

**حاج سید ابراهیم** - خوب است لفظ سالیانه اضافه شود.

**حاج عز الممالک** - چون بطور ماده پیشنهاد شده است بنده بطور ماده پیشنهادی کرده تقدیم میدارم (ماده پیشنهادی آقای حاجی عز الممالک بقرار ذیل قرائت شد).

ماده واحده - نصف حقوق مرحوم اسدالله خان بختیاری مطابق قانون متوفیات در حق ورثه قانونی آن مرحوم برقرار علاوه بر مبلغ چهل تومان سالیانه مادام الحیوة درباره کلبعلی خان بختیاری اخوی مرحوم اسدالله خان برقرار میشود.

**رئیس** - باین ماده مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی میکنم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخته و آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان احصاء نمودند).

**رئیس** - با اکثریت ۵۹ رأی از ۷۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - آقای سلیمان میرزا راجع بدستور اظهاری داشتید بفرمائید.

**سلیمان میرزا** - در ضمن راپورت های کمیسیون بودجه یک راپورتی هست راجع بحقوق آقای مسبو یفرم خان چون چیزی در دستور نداریم خوب است آنرا فلحظه دستور بگذاریم و رأی میکنم (گفتند صحیح است)

**رئیس** - خوب رأی میکنم آقایانیکه تصویب میکنند که راپورت کمیسیون بودجه راجع بسبب تومان حقوق ماهانه درباره آقای مسبو یفرم خان در همین جلسه مطرح مذاکره شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ( راپورت کمیسیون بودجه راجع با آقای مسبو یفرم خان بقرار ذیل قرائت شد لایحه وزارت مالیه در خصوص برقراری مواجب در حق مسبو یفرم خان در کمیسیون بودجه مطرح گردیده بر حسب تصویب هیئت وزراء در تاریخ ۲۴ شعبان وزارت مالیه ماده واحده پیشنهاد نموده بودند که سالیانه مبلغ سه هزار و شصت تومان در حق مسبو یفرم خان مواجب برقرار شود پس از مذاکرات لازمه نظر بخدمتایک مسبو یفرم خان از ابتدای دوره انقلاب در راه مشروطیت و آزادی ایران نموده واستحقاق همه نوع امتیازات را دارد کمیسیون بودجه مطابق پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء ماده واحده ذیل را رأی داده بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید.

ماده واحده - مبلغ سه هزار و شصت تومان سالیانه بصیغه مواجب مادام الحیوة در حق مسبو یفرم خان برقرار میشود.

**رئیس** - آقای دکتر علیخان مخالف هستند **دکتر علیخان** - سؤالی دارم میخواستم بدانم چون اینجا مادام الحیوة قید شده است بعد از فوت

چه صورتی پیدا خواهد کرد چون مسبو یفرم خان شخصی است جنگی و غالباً در جنگ است خواستم نظر باین مطلب داشته باشیم که اگر خدای نخواست به یک اتفاقی افتاد چه خواهد شد حقوق یفرم خان مثل سایر حقوقات خواهد شد یا خیر.

**رئیس** - پیشنهادی دادید بدهید تا رأی بگیریم **حاج عز الممالک** - اینجا اعتقاد شخص بنده این است که مواجب که گفته شد البته قانون متوفیات شامل او خواهد شد مثل سایر مواجب ها خواهد بود

**رئیس** - لازم است عرض بکنم که اگر پیشنهادی بطور اصلاح شود و رأی بگیریم قابل توجه شود آن وقت امروز رأی قطعی نمی توانیم بگیریم **حاج عز الممالک** - بنده قبول میکنم **رئیس** - شما نباید قبول کنید از طرف وزراء باید قبول شود.

**حاج عز الممالک** - چون همین مسئله در کمیسیون مذاکره شد و کمیسیون رأی داد ( پیشنهاد دکتر علیخان بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این ماده بدون لفظ مادام الحیوة رأی گرفته شود

**رئیس** - توضیح بدهید **دکتر علیخان** - بنده پیشنهاد کرده ام که بدون لفظ مادام الحیوة نوشته شود چون با قید مادام الحیوة بعد از فوت متقطع خواهد شد و لکن اگر لفظ مادام الحیوة بقید نشود معلوم میشود که بعد از فوت تکلیفش مثل سایر حقوق خواهد بود و قانون متوفیات شامل او خواهد شد بعضی تصدیق کردند

**رئیس** - آقایانیکه این اصلاح را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده خوانده میشود ( بمبارت ذیل قرائت شد) ماده واحده - مبلغ سه هزار و شصت تومان بصیغه مواجب سالیانه در حق مسبو یفرم خان برقرار میشود

**رئیس** - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد. ( در این موقع شروع به اخذ اوراق رأی گردید و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق را باین عدد احصاء نمودند ورقه سفید ۶۲).

**رئیس** - با اکثریت (۶۲) رأی از (۷۵) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد. در باب جلسه آتیه چون طرح قانونی و نه لایحه قانونی حاضر داریم که جزء دستور قرار دهیم اگر آقایان تصویب بفرمایند جلسه آتیه را روز سه شنبه قرار میدهیم برای روز سه شنبه هم قانون انتخابات حاضر خواهد بود. مخالفی نیست - (گفته شد خیر) دستور روز سه شنبه راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع باستخدام بکنتر اربوایی برای محاسبات وزارت پست و تلگراف ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع باستخدام دوتفر بلژیکی برای اداره گمرک قانون انتخابات.

**حاج آقا** - بنده چندی قبل عرض کردم امروز هم میخواهم تشکر از بکنم که یک قانونی راجع به

شرکتها در مجلس شورای ملی مطرح شد و شور اول هم شد و بهترین قانونی بود که... **رئیس** - آرزوی عرض کرده اگر حاضر بود جزء دستور میشد.

**حاج آقا** - استدعا میکنم تا کسب بفرمائید زودتر راپورت بدهند که جزء دستور شود.

**لواء الدوله** - در چند جلسه چه کتباً چه شفاهاً بنده عرض کردم در خصوص ورثه یحیی خان سرتیپ راپورتی داده شد و همینطور مانده در واقع اینها هم مجاهدین قزاقخانه هستند و خدمت کرده اند بازم استدعا میکنم که هر چه زودتر بلکه در جلسه آتیه جزو دستور گذاشته شود.

**رئیس** - مخالفی نیست جزء دستور بگذاریم. **دکتر حیدر مهرزا** - کمیسیون محاسبات راپورتی در باب طلب استاد قاسم معمار تقدیم کرده و زیاده بر سه ماه است که تقدیم شده چون استاد قاسم پیرشان و جمعی از اهل مجلس هم صحت طلب او را تصدیق کرده اند تقاضا میکنم جزء دستور جلسه آتیه بشود.

**رئیس** - آن راجع به هیئت رئیسه است خودمان ترتیب او را میدهیم ( در این موقع رئیس حرکت کرد و مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب ختم شد).

**جلسه ۳۰۰**  
**صورت مجلس روز سه شنبه ۹ شهر شوال ۱۳۲۶**

رئیس (آقای مؤتمن الملک) دوشاعت و نیم قبل از غروب بجای خود جلوس و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید.

( صورت مجلس روز سه شنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند ) اسامی غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقا میرزا ابراهیم قلی - آقاسید محمد باقر ادیب آقای تربیت - آقای دکتر رضاخان - آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقای متین السلطنه ۴۰ دقیقه - آقای حاج و کبیر الرعايا - آقای طباطبائی هر یک نیمساعت.

**رئیس** - آقای میرزا ابراهیم در صورت مجلس ایرادی دارید **آقامیرزا ابراهیم** - بنده را غائب بدون اجازه نوشته اند و حال آنکه کتباً اجازه خواسته بودم.

**رئیس** - مکرر عرض کرده ام مسئله تقیبت نباید در مجلس با هیئت رئیسه اظهار شود اگر اظهاری دارید باداره مباشرت اظهار بکنید.

**رئیس** - دیگر ملاحظاتی نیست؟ ( اظهاری نشد). **رئیس** - صورت مجلس تصویب شد. راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع باستخدام بکنتر محاسب اربوایی برای محاسبات وزارت پست و تلگراف خاطر آقایان هست که این راپورت یک مرتبه دیگر اینجا قرائت شد رأی گرفتیم که داخل در مواد شویم تصویب شد. بعد وزارت مالیه یک پیشنهاد دیگر کرده است و تغییری که داده اند اینست که در آن لایحه حقوق این مستخدم را با دلار نوشته بودند یعنی چهار هزار دلار معین کرده بودند و حالا این لایحه







تصویب کردند باید نظریات هیئت دولت هم در آن شده باشد که بعد وقتی که شروع میکنیم دوسرته چهار یک ترتیب تمویض نشده باشیم که حالا بنده نمایانم نظریات دولت در آن بعمل آمده است یا خیر اگر هنوز نظریات هیئت دولت تقاضا کردند باشد با نظریات دولت در آن شور و شور بود آفتوخدا داخل شور شویم والا اگر همینطور داخل شور شویم دوسرته چهار یک اشکال تمویض خواهیم شد.

شرطی است که در ماده بعد هست که اشخاصیکه متکدی هستند و بوسایل بی شرفانه زندگانی می کنند حق انتخاب کردن نداشته باشند این صفت ثبوتی و آنهم صفت سلبی او است و در واقع قرار داده بودیم که ما یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی یا ۳۶ تومان عایدی سالیانه داشته باشد یا ۵ تومان مالیات بده باشد این را در واقع جزء شرط نمودیم نمیتوان محسوب داشت فقط این شرط یک تعرفه است که برای او قرار داده ایم.

**رئیس** - آرزوی که آقای وزیر داخله تقاضا کردند پنج شش روز مهلت خواستند و هفت روز گذشته دستور هم چند روز قبل برای هیئت وزراء فرستاده شده و میدانند که امروز مطرح میشود تلغون هم با ایشان شده است که تشریف بیاورند و تشریف خواهند آورد.

**وزیر است و تلگراف** - آقای وزیر داخله گرفتاری داشتند خواهند آمد و کلیه نظریات دولت موافق است با همان رایی که مجلس داده است که انتخابات یکدرجه باشد ولی بواسطه اینکه اماله مشترک است انتخابات یکدرجه کاملاً بیشرکت کند نظر دولت اینست که حتی المقدور سعی شود که انتخابات آنها هم یکسان باشد به نسبت شهرات حتی شهرهای کوچک مرکز انتخابات همان جاها باشد که بتوانند زودتر و کلاه را انتخاب کنند و زودتر بفرستند بر کز و مجلس زودتر تشکیل شود که تأخیر نبفتد.

**رئیس** - این اظهار را در موقع خودش بفرمائید حالا رأی میگیریم که داخل در شور شویم بشوریم یا شوریم آیا اینکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اکثر فریب با اتفاق قیام کردند )

**رئیس** - تصویب شد ماده اول و دوم میانم برای بعد از آنکه در سایر مواد مذاکره شد داخل شور این دو ماده بشوریم عجلتاً در ماده سیم مذاکره میشود ( ماده سیم بعبارت ذیل خوانده شد )

ماده ۳ - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

- ۱- تبعه ایران باشد ۲- لااقل ۲۰ سال داشته باشد ۳- در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل ۶ ماه قبل از موقع در آنجا ساکن باشد ۴- لااقل دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی یا سالیانه ۵ تومان مالیات بده باشد یا ۳۶ تومان عایدی سالیانه داشته باشد - محصلین مدارس از آن شرط چهارم معاف میباشد.
- حاج سید ابراهیم** - بنده این شرط چهارم را هیچ فایده برایش نمی بینم که اشخاصی که تعرفه میگیرند دارای این شرایط باشند بجهت اینکه مقصود آن کسی است که حق انتخاب کردن و رأی دادن را دارد یعنی تعرفه بگیرد و ورقه رأی بدهد همچو کسی را نباید قید کرد که علاقه یا فلاقت عایدی داشته باشد یا پنج تومان مالیات بده باشد این هیچ منفعتی ندارد خصوصاً در مملکت اسلامی در حقوق اشتراکی و این هیچ شرط نیست فلسفه اینرا آقای مخبر بفرمایند و الا من هیچ قانع نمیشود و فایده ندارد.
- مخبر کمیسیون** (ذکاء الملک) - در شور اول در ایشان بقدر کفایت مذاکرات شد عرض کردم مقصود این نیست که غمی و متول را دارای حق انتخاب و فقیریابی حق کنند مقصود از این توضیح

طوری که در بعضی جاها میکنند بتولین حق رأی بدیم اگر مداراتی را یکی از شرایط قرار میدادیم آنوقت حق این اعتراض بود ولی هیچ با این عقیده شریک نیستیم که بکطبقه کوچکی را که حق سیاسی در مملکت داشته باشند از انتخاب محروم کنیم اینطور نیست ولی چیزی که هست در آن شرایطی که بعد خواهد آمد که یک همه را محروم میکنند از انتخاب کردن منجمه از آن شرایطی گذران کردن از راه تکنیکی است یا از راههایی که اسباب بی شرفی است اگر مادقت کنیم در این ماده می بینیم که ما میگوئیم کسانی باید باشند که با ۱۵۰ تومان علاقه داشته باشند یا ۳۶ تومان عایدی یعنی روزی یک قران داشته باشند یا پنج تومان مالیات بده باشد اگر تمام این سه شرط را میگردیم باز بگفتند ایراد شاهزاده وارد بود ولی از اینطور باشد دانه را بطوری وسیع میکنند خیلی کم اتفاق می افتد اشخاص را از انتخاب بی بهره بکنند ولی آن کسانی که کمتر از ۳۶ تومان عایدی یعنی روزی یکقران سالیانه داشته باشند که گذران بکنند نه در طهران بلکه نظرم بیاید که در سایر جاها و دهات نباشد اگر باشد آیا اینها فرصت با فراغت این را دارند که بیاوند تعرفه بگیرند و رأی بدهند و آنکه خود این مالیات بده باشد که آن کسیکه حق انتخاب کردن را دارد و حق این را دارد که ورقه را بردارد و در مز بیندازد بعلاوه این حق با کسی است که بقدر خودش یک قسمت از آن مملکت در دست او است و باید بگفتند ذینفع باشند و یک علاقه کمی با این آب و خاک داشته باشند و بتوان اینحق را بآن ها سپرد پس فلسفه وجه التزام این ماده اینست که عرض کردم و این ماده سبب محروم کردن یکمذمذی را نخواهد شد و اگر اینطور نباشد یک عدو خیلی کثیری منتخب خواهند شد.

**دکتر حاج رضاخان** - در اینجا از آقای مخبر خواستم شوال کنم که این ۳۶ تومان چه است و تقصیل بردار نیست معلوم نیست که عایدات کدام است مقصود از این چیست آیا این عایدی عایدی ثابت است یا عایدی مزدوری است یا مملکی است یا از قبیل مستمری و عواید است خودشان تصدیق میکنند که متکدیان محروم هستند در صورتیکه متکدیا محروم باشند این فقره اگر برای مردمانی است که آنرا نشان از طریق بی شرفی است که باید این قید حذف شود و اگر خیر واقماً اهمیت میدهند که یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی یا پنج تومان مالیات بده یا سی و شش تومان سالیانه عایدی داشته باشد بنده عرض میکنم که در این شهرهای بزرگ هم خیلی کم است کسی که صد و پنجاه تومان علاقه منسکی داشته باشد اولاً از هزار نفر هشتصد نفرش دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی نیست و نباید بقدر اهمیت فوق العاده داد که دارای صد و پنجاه تومان علاقه باشد دیگر اینکه آنقدر هم عرض کردم که این صد و پنجاه تومان علاقه منسکی یا پنج تومان مالیات یا سی و شش تومان عایدی متناسب نیست بجهت اینکه البته میدانید که مالیات مستقیم است و مالیات مستقیم در ایران هم میدانید که کسیکه دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه باشد پنج تومان مالیات بده خواهد بود پنج تومان مالیات از برای دو هزار و سه هزار

تومان نمود است لااقل برای پانصد تومان نمود است و این چیزی که اینجانوشته شده است غیر متناسب است نانیاً کسانیکه روزی یکقران تحصیل میکنند ولو بزدوری باشد تحصیل میکنند دیگر لازم نیست که دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی باشند و محتاج باین قید در اینجا نیستیم که یک راهی را بدست اشخاص ظنین بدیم و دیگر در خود متکدیان هم بنده معیض را نمی فهمم برای متکدیان از دو حال خارج نیستند یا عاجزند نمیتوانند کار بکنند یا میتوانند آنها که عاجزند و حقیقتاً آنها قابل رعایت شده اند هیچ دلیل ندارد که ما آنها را محروم بکنیم بجهت آنکه آنها اتفاقاً عاجزند و باید بآنها چیزی داد خود متکدیان هم اینجا بی انصافی است و هیچ صلاح نیست که بگفته را اینجا بی شرف محسوب داشت و از این حق محروم کرد.

**ذکاء الملک** - اولاً توضیحاً عرض میکنم این عایدی سی و شش تومان مفید نیست هر عایدی مشروعی داشته باشد در سال سی و شش تومان یعنی روزی یکقران ذینفع خواهد بود در آن صورت خودشان تصدیق فرمودند همه کس ذینفع خواهند بود در رأی دادن بوجوب این ماده دیگر اینکه اشتباهی شده است بر ایشان میفرمایند خیلی حکم هستند اشخاصی که یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی داشته باشند و بنا بر این عده رأی دهندگان را خیلی کم میدانم و حال اینکه نوشته شده است یا یکصد و پنجاه تومان علاقه منسکی داشته باشد بعد اگر اینهم نشد پنج تومان مالیات بده باشد اگر هیچکدام این دو نشد سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشد باز هم کافی است این اشتباه شده است و همانطوری که عرض شد قصد بنده و کمیسیون این نیست که اشخاص از افراد ملت از انتخاب محروم باشند این شرایط نظر باین شده است که در واقع هیچکس را محروم نکنند مگر کسانی را که عرض کردم متکدیان یا کسانی که نمیتوانند بنمایند یک صد و پنجاه عایدی دارند و حالاً مملکت اگر میفرمائید این فقره چهارم نوشتن در این ماده لازم نیست این یک اعتقادی است بنده هم لحاج نمیکنم که باشد یا نباشد و اما در خصوص متکدیان اولاً جایش اینجا نیست و بنده هم مبالغه او را جایز نمیدانم.

**رئیس** - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ( گفتند کافی است ) چهار فقره پیشنهاد شده قرائت میشود در قابل توجه بودنش رأی گرفته می شود.

( اول پیشنهادی از طرف آقای ادیب التجار بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم جمله اول از ماده ( ۴ ) بقسم ذیل نوشته شود.

- ( ۱ ) تبعه ایران باشد و در تحت حمایت خارجه و دارای تأمین از خارجه نباشد ( د ) بم از طرف آقای صدر العلماء بعبارت ذیل قرائت شد )
- بنده پیشنهاد میکنم در ماده ( ۳ ) بدون لفظ محصلین مدارس نوشته شود ( سیم از طرف آقای حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت گردید )
- بنده پیشنهاد میکنم که شرایط ماده ( ۳ ) اینطور نوشته شود.
- ( ۱ ) تبعه ایران ( ۲ ) لااقل بیست سال داشته باشند ( ۳ ) در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل ششماه

قبل از موقع در آنجا ساکن باشند ( چهارم پیشنهادی از طرف شاهزاده سلیمان میرزا بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ( ۳ ) بدون قید ۴ چنین نوشته شود .

ماده ( ۴ ) انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند

- ( ۱ ) تبعه ایران باشند ( ۲ ) لااقل بیست سال داشته باشند ( ۳ ) در حوزه انتخابیه متوطن یا ششماه لااقل قبل از موقع در آنجا ساکن باشند .

**رئیس** - پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا حاج سید ابراهیم در واقع یکی است اول در پیشنهاد آقای ادیب التجار رأی میگیریم توضیح دارید بفرمائید .

**ادیب التجار** - مجلس شورای ملی مکان مقدسی است که در آنجا وضع قوانین یک مملکتی میشود شخصیکه بقدر بيشرف باشد که دارای تأمین باشد یا اینکه در تحت حمایت خارجه خود را بداند که هرگز تصدیق نمیکند و چنین شخص از تبعیت ایران خارج نیست معهما چون مستمسک باین تشبیه میشود از این شرف ملی محروم است همچنین است انتخاب کنندگان که راجع است باین جمله و این قبیل اشخاص و اینده لایق نمایند منتخب شوند و هم در مجلس که حافظ ناموس مملکت است و وضع قوانین مملکت در او میشود در آنجا به نشینند و وضع قوانین برای مملکت بکنند و کسیکه در تحت حمایت خارجه خود را شناساند و بداند لایق عضویت مجلس نیست.

**رئیس** - آقای مخبر قبول دارند این پیشنهاد را.

**مخبر** - خیر نمیتوانم قبول کنم.

**محمد هاشم میرزا** - بنده در همه این پیشنهاد ها عرض دارم چون اعضای کمیسیون هستم اما در پیشنهاد آقای ادیب التجار چنانچه گفته شد در تحت حمایت خارجه هیچ عنوان ندارد و ما هیچکس را باین ترتیب نمیشناسیم مآتم مردم ساکنین ایران را تبعه ایران میدانیم مگر اینکه محقق و معلوم شود که تبعه دولت دیگری است و هیچوقت دولت ایران کسی را باین سبب نمیشناسد اگر اجازة بدهد در باقی پیشنهادها هم عرض کنم .

**رئیس** - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد

**بجهت** - عرض میکنم اصلش نمیشود رأی در این پیشنهاد بگیریم برای اینکه یک چیزی که نفی و اثباتش هر دو غلط است چگونه میشود رأی گرفت پس باید اول رأی گرفت که رأی بگیریم یا نگیریم .

**رئیس** - دور نیست در این موقع هم بفرمائید که در نفی و اثبات رأی بگیریم رأی میگیریم در این پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند ( کسی قیام نکرد )

**رئیس** - قابل توجه نشد رأی میگیریم پیشنهاد آقای صدر العلماء .

**صدر العلماء** - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده این پیشنهاد را اختیار میکنم .



**رئیس - توضیح دارید بمسئله .**  
**شیخ اسدالله** - این پیشنهاد که شده است راجع به تحصیل مدارس است که آنها را از این قید مستثنی کرده است بنده در حقوق ملی هیچ فرقی نمی بینم در شاگردان مدارس و غیر شاگردان مدارس تمام مساوی هستند در حقوق ملت همان نظری که بشاگردا مدارس هست همان نظر هم نسبت بادی ترین فرقی ملک هست این حق حاکمیت را همه دارند بطور می شود یک کسی را از آن قید مستثنی کرد و دیگری را مستثنی نکرد بنده این پیشنهاد را قبول دارم و استدعا دارم که رای بگیری.  
**ذکاءالملک** - بنده ملتفت نشدم آقای حاج شیخ اسدالله که این پیشنهاد را قبول کردند نظر بتوسیع حق رای دارند یا به تضییق ما که این را قبول کردیم نظر بتوسیع داشتیم برای تشویق به تحصیل این قید را کردیم بجهت اینکه اگر این قید را بر میداشتیم جمعی که تحصیل میکردند از حق انتخاب محروم میشدند بجهت اینکه ما اینجا نوشتیم که این اشخاص با صد و پنجاه تومان علاقه منسکی یا ۳۶ تومان عایدی در سال یا پنج تومان مالیات بنده باشند حالا اگر اهل علم و محصل باشند این قید را بر میداریم که آنها هم که دارای این شرایط نیستند از این حق محروم میمانند زیرا مشغول تحصیل هستند .

**رئیس** - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

**رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا و حاج سید ابراهیم یکی است مقصود این است که شرط چهارم حذف شود توضیح اگر دارید بفرمائید .

**سلیمان میرزا** - بنده وقتیکه مخالف بودم و دلایل مخالفتم را که عرض کردم بیکفردی توضیح این مسئله بشود عرض کردم که حقوق حاکمیت از برای عموم است و هیچ تفاوتی مابین فقیر و غنی نیست و علاقه هم علاقه کلی نیست اگر تصور شود علاقه ملک است مابین مینیمم آن اشخاص که در مشروطه خواهی جانبازی کردند اگر احصایه آنها را درست میداشتیم میدیدیم که تمام فقراء و ضعیف بودند که کشته شدند و اشخاص متمول کشته نشدند و بچنگ زرفتند و هر زحمتی که باشد فقراء و ضعیف متحمل می شوند هر مظلم و تعدی که هست بیشتر از سایرین بآنها میرسد یعنی حکومت منی را که میخواهید بدست بگیری بآنها هم شرکت داشته باشند که بتوانند آنها هم حکومت را در دست داشته باشند بنا بصلاحت و تقاضای حال خودشان در آنجا حق رای داشته باشند و رای بدهند از طرف دیگر اگر درست دقت بکنیم می بینیم قانون اساسی ما چیزی را که مخالفت سریع باقانون اسلام دارد منع میکند و نباید مخالف قانون اسلام رای داد هر آینه اگر این قانون ما در صدر اسلام و در زمان حضرت امیر علیه السلام بود حضرت امیر و بسیاری از صحابه خاص مطابق این قانون از این حق معاف و محروم بودند بجهت اینکه حضرت امیر از همه کس فقیر تر بودند و هر چه داشتند

بفل و اتفاق بر دم میکردند وغالباً امرعاش شان به سختی میگذاشت و چیزی نداشتند و پیغمبر صلی الله علیه و اله میفرمایند الفتر فخری پس فقر دلیل محروم بودن از حقوق ملت نیست هر کس از فقیر و غنی حق دارند که انتخاب کنند و ما می بینیم که در راه مشروطیت و آزادی بیشتر از همه فقراء زحمت می کشند پس باید در حکومت ملی هم فقراء بیشتر از همه فایده ببرند با لافل مساوی باشند این است که بنده این شروط صد و پنجاه تومان علاقه منسکی و پنج تومان مالیات بدهی ۳۶ تومان عایدی را در سال زیاد میدانم زیرا ممکن است اشخاصی باشند که در روز پادشاهی گذران کنند چه ضرری دارد که همچو آدمی شریک باشد در رای دادن و حق انتخاب داشته باشد و باید هم انصافاً و وجداناً داشته باشد

**حاج سید ابراهیم** - عرض کنم بنده یک مثال واضح تری میگویم که از آن مثال معلوم شود که خیلی از اشخاص محروم میشوند از این حقوق و آن اشخاصی هستند که در نفقه پدرشان هستند و سی و شش تومان عایدی ندارند و پنج تومان مالیات بنده هم نیستند ولو اولاد آنها هم باشند و نمیشود گفت صد و پنجاه تومان علاقه منسکی دارند این پنج تومان مالیات بنده است یا روزی یک قران عایدی دارد پس در اینصورت غالب جوانها را ما محروم میداریم این شرط را اگر برداریم بهتر است زیرا هم فقراء و هم اقبای هر کس در ایران معیشت میکنند البته حق انتخاب دارند .

**رئیس** - این پیشنهاد را آقای مخبر قبول دارند یا خیر

**ذکاءالملک** - بنده از طرف کمیسیون نمیتوانم رای بدم در این باب بهتر اینست که از طرف مجلس تصویب شود .

**رئیس** - آقای میرزا مرتضی قلی خان هم پیشنهاد کردند که تجزیه شود یعنی قسمت اول و دوم و سوم را علیحده و فقره چهارم را علیحده بعد از آنکه در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای گرفتیم آنوقت در این پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان مذاکره میکنیم و رای میگیریم .

**آقای میرزا مرتضی قلیخان** - چون مقصود سریع دادن در قانون انتخابات است و اگر قابل توجه بشود باید برگردد بکمیسیون باین جهت بنده تقاضا کردم و این پیشنهاد را نمودم برای اینکه این سه فقره را که قبول دارند اول آن سه فقره را رای بگیریم بعد جزو اخیر را رای بگیریم که اگر رد شد در تائی باید مذاکره شود . و اگر رد شد آنوقت محل قبول شده است .

**رئیس** - نمیشود چیزی که قابل توجه نشود در آن رای گرفت باید اول قابل توجه بشود آنوقت باید رای گرفته شود حالا رای میگیریم پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا و آقای حاج سید ابراهیم آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد پس این ماده میماند ده دقیقه تنفس است بعد ماده ( ۴ ) مطرح میشود (در این وقت تنفس شده و پس از یک ربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد) .

**معاون وزارت معارف** - نظر آقایان هست که در چند روز قبل در لایحه مدارس ابتدائی که پنج مدرسه برای طهران و چهار مدرسه برای ایالات رای دادند در آنجا که راجع بود چه عبارت طوری نوشته شده است که درست معلوم نمیکند که این مبلغ برای ماه است یا سال باید عبارت طوری نوشته شود که درست معلوم شود عبارت اینطور نوشته شده است که برای هر یک باب از پنج مدرسه طهران دوپست و پنجاه تومان که میشود هزار و دوپست و پنجاه تومان و برای مدرسه هر الائی دوپست تومان که هشتصد تومان میشود از طرف دولت داده خواهد شد دیگر ذکر نشده است که این مبلغ در ماه است یا در سال البته در ماه ولی باید تصریح شود که مطلب واضح باشد .

**رئیس** - آنوقت که مذاکره میشد در مذاکرات شفاهی هم لفظ ماهیانه ذکر شد ولی در پیشنهادی که شد لفظ ماهیانه افتاده بود ما هم که نمیتوانستیم در پیشنهاد تغییری بدهیم و گمان میکنم که مخالفی نباشد در این مطلب اگر مخالفی باشد رجوع میکنیم بکمیسیون .

(اظهار شد که ماهیانه صحیح است)

**رئیس** - پس اگر مخالفی نیست همین توضیح کافی است .

(گفتند صحیح است)

**رئیس** - پس این اشکال هم رفع شد ماده چهارم قانون انتخابات (گفتند صحیح است)

(ماده چهارم ببارت ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - کسانی که از حق انتخاب محرومند .

۱ - نسوان ۲ - اشخاص خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند ۳ - تبه خارج ۴ - اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط بشود رسیده باشد ۵ - اشخاصی که کمتر از ۲۰ سال دارند ۶ - ورشکستگان بقصیر ۷ - متکدیان و اشخاصیکه بوسائل یشرفانه تحصیل معاش میمانند ۸ - مرتکبین بقتل و سرقت و مقرضینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امثال آن که شرعاً براث خود را حاصل نکرده باشند ۹ - اهل نظام بری و بحری با استثنای صاحبان امتحان افتخاری ۱۰ - مستخدمین امنیه و نظمه در محل خدمت .

**رئیس** - در فقره اول ماده ( ۴ ) مخالفی هست ( مخالفی نبود )

**رئیس** - در فقره دوم مخالفی هست ( مخالفی نبود )

**رئیس** - در فقره ۳ و ۴ هم مخالفی نیست .

**آقای محمد رضای همدانی** - در فقره که نوشته شده اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع به ثبوت رسیده باشد بنده عرض میکنم خوب است که دین فقره تبدیل شود با اشخاصیکه معروف بخروج از این اسلام هستند بجهت اینکه کمتر واقع میشود که کسی از این اسلام خارج بشود و اگر هم خارج شده باشد کمتر میشود که بتواند برود در محضر حکام شرع و ثابت کند پس اگر میخواهید که این مطلب باشد تبدیل

کنند با اشخاصیکه معروف باشند بخروج از دین اسلام و الا هیچوقت در حضور حاکم شرع معلوم نشد که کسی خارج از دین اسلام شود این هیچ فایده ندارد بقیعده بنده تبدیلش بهتر است .

**ذکاءالملک** - خیلی چیزهاست که باطناً انسان میدانند که خوب نیست و اشخاصیکه دارای این صفات هستند نباید حق انتخاب داشته باشند ولی حرف در قانون است در قانون که یک شرط می نویسیم از برای داشتن یک حق یا سلب حق باید یک طوری باشد که شخصی باشد و برای هر کس سهولت داشته باشد بجهت اینکه قانون امر است و نهی و امر و نهی باید تفاوت داشته باشد بامعوضه و نصیحت وقتی که امر میکنیم یک چیزی را باید طوری باشد که بتوان بترتیب صحیحی او را ثابت کرد و ترتیب اثر را داد همچنین نهی حالا اینجامخصوصاً نوشته شده است که باید ثابت شده باشد بجهت این که اگر ثابت نشده باشد بطور میتوانیم یک کسی را محروم بکنیم از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن حالا بفرمائید بنده ثبوت او را محروم کنیم به چه دلیل اگر حق بابتوتش است که ما نوشته ایم بابتوت اگر میخواهیم از ثبوت یا ما را بگذاریم خیلی اسبابها میتوان فراهم آورد مادام العمر بعضی را محروم کنیم آنوقت مردم امیدوار میشوند و فساد و تفتین میکنند و بعضی اتهامات فراهم میآورند این ملاحظاتی را باید در قانون نویسی کرد که دچار اشکال نشویم و برای حاصل شدن بعضی فوائد مفاسد دیگر بروز میکند .

**رئیس** - دیگر در فقره چهارم مخالفی نیست .

**حاج آقا** - بله نظرات کمیسیون را که مخیر محترم فرمودند معلوم است که همین نظر بوده است همه ملتقت بودند و همین نظر هم این مطلب نوشته شده است ولی باید یک نقطه نظر دیگر را هم مراعات نمود که از نظر محوشده است و سابقاً نوشته شده بود پیشنهاد هم شده بود اشخاصی که معروف بفساد عقیده باشند گمان میکنم که این مسئله لازم تر باشد بنویسیم اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند بواسطه اینکه لابد بواسطه بعضی لایالی گریها و حرکاتی هست که از ایشان فاش میشود مثل بعضی کدر بعضی محافل و مجامع اظهاراتی کرده اند و آن اظهارات دلیل بر فساد عقیده شان شده البته آن موضوع ثابت شدن در محضر یکی از حکام شرع موضوعی است که اگر عرض کنند واقفان آن کسیکه معروف بفساد عقیده است معلوم نیست در پیش حاکم شرع بتوانیم ثابت کنیم بواسطه اینکه یا باید اقرار کند یا در نفر عادل که شهادتشان قبول بشود شهادت بدهند که این فساد عقیده است و با وجود این امساک میکنند و شهادت در آن مورد نمیدهند آنوقت اشخاص فاسدالعقیده می آیند رای میدهند خود این اسباب یک تفرخیلی شدیدی از این اساس مقدس میشود بظن بنده که مردم نظرشان بر این است و حقیقتاً هم همینطور است که مشروطیت حقیقت اسلام است بنده از این جهت پیشنهاد میکنم و خواهش میکنم که نوشته شود اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده خیلی متعجب

هستم یا متأسف هستم از نظری که آقای حاجی آقا اظهار فرمودند اگر بنا باشد که بگوئیم فساد عقیده در پیش حاکم شرع ممکن الثبوت نیست یا باشکال می کشد بکشد فساد عقیده مثل فساد اعمال است پس اگر کسی معروف شد بر ناکاری یا باید در جم شود بشما این جلد یعنی هشتاد تا زیاده او بزنند هیچ يك از موازین شرعیه در این موقع لازم نیست بلکه بنده عقیده دارم که این حرف ابداً نباید زنیاد زیرا که بعضی از کسانی که تمسق هستند در اخبار یا بواسطه غرض یک کسی را خودشان تهمت میزند بفساد مذمب و فساد اخلاق و آنوقت بر دم میگویند این شخص فاسدالعقیده است و فوراً میگویند فال علیه السلام التو من مواضع التهم آن کسی که اقرار ندر ادبها است پس بنابراین بنده خیلی خارج از عمل و شرع میدانم که اینطور رای داده شود بلکه بنده بطور دیگر رای دارم که خیلی فرق دارد باری آقایان و آن این است که میخواستم عرض کنم که ثبوت در محضر حاکم شرع جامع الشرائط این را لازم میدانم که بگویم اگر بگویم بوجدان خودم مظلم کرده ام چون بنده تاریخ تکفیرها را خیلی دارم لازم بوده ام در محضر مجتهدین مسمی که هر کدام در مقام اعلیت بوده اند کسیرا تکفیر کرده اند که او را هم عتاف بلکه بالاتر بنظرش میآید بلکه پشت سرش نماز کرده است حالا باید که قوری حاکم شرع را تضییق کنیم که هر آخوندی شاید در هر محله هست که مسائل شرعیه را نمیداند میگویم بترسم لقب خود را عمادالاسلام و حجه الاسلام میدانم حجه بیوجه آنوقت بنده را تکفیر میکنند آنوقت باید بگوئیم پنهان خورید باده که تکفیر میکنند .

**رئیس** - کویا مذاکرات کافی است در این فقره .

**حاج آقا** - بنده توضیح دارم .

**رئیس** - بفرمائید .

**حاج آقا** - بنده گمان میکنم که عرایض بنده معلوم نشد البته موضوع خروج از دین يك موضوعی است که يك حکامی بر او صادر میشوند این باید در محضر یکی از حکام شرع ثابت شده باشد خروج از دین اسلام و آنوقت احکام شرعیه برای آن حدود مشخصه است مثل اینکه فرمودند در سایر محاکم شرعیه اینها را است است نادر یکی از محاضر شرع ثابت نشود احکام برایشان وارد نمیشود ولی بنده در موضوع احکام شرعیه هیچ صحبت نداشتم اینجا هیچ نگفتم که آن احکام شرعیه در باره اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند وارد میشود تا ثابت نشود برش وارد نمیشود بنده از نقطه نظر سیاست عرض کردم که بهتر این است نوشته شود اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند .

**رئیس** - اما توضیح باین منصلی نمیشود باید مختصر باشد - در فقره پنجم مخالفی هست .

**حاج وکیل الرعایا** - بنده میزیرا بهتر از خدا سراغ ندارم که تکلیف را در ۱۵ سالگی بر مردها باز کرده است چه جهت دارد که ما در بیست سالگی تکلیف را بر آنها باز میکنیم و آنها را در بیست سالگی داخل تکلیف مینماییم .

**حاج شیخ اسدالله** - آقای حاج وکیل

الرها یا خیلی قیاس مع الفارق فرمودند بجهت این که تکالیف شرعیه در ۲۵ سالگی مین شده است که اعمال را بجا میآورند ولی از انتخاب کردن محروم نباید کرد زیرا بنده میخواستم عرض کنم که بیست سال کم است بجهت اینکه کمتر دادن ملتفت امور سیاسی شدن خیلی اشکال دارد بصیر امور مملکت و حق حاکمیت خیلی مشکل است بیست سال هم آن حقیرا که بتواند تمیز بدهد که حقوق خودش را درباره رای دادن چه درباره اشخاص که رای بدهد اگر ۲۵ سال هم بکسیبسون رای میداد بنده دو کمال خوبی باین رای هم اهورم و کمتر از بیست سال را هیچ نمیتوانم تصویب کنم این تشبیهی را که کرده اند هیچ مناسب نیست و کمتر از بیست سال نمیشود .

**آقای التتجار** - بنده در فقره پنجم پیشنهاد کرده ام .

**رئیس** - در فقره ششم مخالفی هست .

**آقای میرزا یاناس** - بنده ایراد بر آن که در فقره ششم میخواهم عرض کنم متضمن فقره هفتم هم خواهد بود فقره ( ۶ ) میگوید در شکستگان بتقصیر محروم میماند از این انتخاب حالا این محروم بودن را بنده نمیفهمم که مادام العمر است یا خیر زیرا در شکسته بتقصیر یک گناهی است که یک نفر در يك مملکتی میکند و برای او مجازات مین میشود آن مجازات بجهت چه معین میشود بجهت این معین میشود وقتی که این مجازات را باو کردند بر می گردد بدرجه اولی و بشرافت انسانی خودش مثلا در یک مملکت قانونی نوشته میشود اگر کسی دزدی کرد پنجسال حبس شود آیا این دزدی را که کرد و بعد از پنجسال مجازات قانونی خودش را دید باز میخواهد مثل قبل از دیدن مجازات باو معامله کند یا خیر اینجا ما باید دو مسئله را در نظر داشته باشیم یکی مسئله حقوقی یکی مسئله سوزالی وقتیکه يك کسی یکدفعه گناه کرد مادام العمر از حقوق انسانیت بی بهره است در انتظار و مادر این موقع يك همچو حالتی برای مملکت ایجاد میکنیم که هر وقت يك کسی يك گناهی کرد دیگر راه برگشتن نداشته باشد بنده گمان میکنم که هیچکدام از قانون الهی و آسانی اینطور نکرده است همیشه راه برگشت راداده برای انسان باز است من گمان میکنم که این قانون اینطور باید نوشته شود زیرا بی تقصیر هیچ در دنیا نیست همه کسی تقصیر می کنند هر کدام بدرجات بزرگ و کوچک در تمام ممالک مجازات بزرگ و کوچک برای آنها هست اگر چه این گناه بزرگی است بنده تصدیق دارم مجازاتش را بزرگ بکنید اما این صحیح نیست که تمام عمرش از شرافت انسانیت محروم باشد این مسئله عده اشرا در ایران زیاد خواهد کرد این بهتر است که تا مدتی مجازات قانونی نشده اند محروم باشند از این حق ولی بعد از اینکه مجازات شدند باز حق رای داشته باشند .

**ذکاء الملک** - بنده داخل فلسفه این مطلب نمیشوم بجهت اینکه ممکن است استدلال بکنند برای امر کلی و آن امر کلی را میخواهیم اینجا ما را بکنیم یعنی کلیه وقتی که جنایت و تقصیری کرد و مجازات خودش را دید آنوقت شرف او و حیثیت



او دوباره باید قودت بکند یا نکند این بخش در اینجا نیست یعنی يك بخشى است که جایش اینجا نیست گمان میکنم که این عمل را غالب قبول دارند که نمیتوانیم بعض اشخاص را که بعضی جنایات کرده اند و مجازات شدند بعد از آن جنایت آنها را بهمان نظر نگاه بکنیم که پیش از آن نگاه میکردیم يك کسیکه دزدی کردو بنده دیدم کدزدی کردو بعد آتمال را از او مسترد داشتیم و مجازات هم شد اعم از حبس یا جریمه یا دست بریدن بر حسب قانون شرع که مقرر شده است هر کدام آنها را که ملاحظه کنیم آیا بنده و شما او را بهمان نظر ملاحظه خواهیم کرد که پیش میدیدیم مسلم است که این طور نیست پس این آدم بواسطه ارتکاب این خیانت از حیثیات خودش بالطبع کم کرده است و در همه جای دنیا این رسم هست که از بعضی مردم که بعضی جنایات سرزنده بعضی حقوق سیاسی از آنها سلب میشود از آن جمله حق انتخاب باشد حالا بنده میخواهم عرض کنم که خوب است باینست شاید که يك کسی اعتمادش این باشد که يك اتفاقی افتاده است که این آدم مجبور شده است يك گناهی کرده است و بعد پشیمان شده است انصاف و مروت مقتضی است که مادیرگ دنبال نکند که تا آخر عمر او را از همه چیز محروم کنیم این يك نظری است ولی عرض میکنم که این نظر حالا بدرد نمیخورد این يك اصلی است که قبول شده است کسیکه دزدی میکند و کسیکه خیانت در مال مردمان کرده است یا سرق و یا جنایت دیگر کرده است فعلا عامه مردم نمیتوانند بعد از آن هم که مجازات شد او را بنظر اول ببینند.

**رئیس -** مذاکرات در این فقره کافی است بگذرد پیشنهاد از آقا میرزایانس شده است قرائت میشود برای میگیریم پیشنهاد مزبور (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت (۶) از ماده (۴) اینطور نوشته شود (۶) ورشکستگان بتقصیر چه مجازات قانونی درباره او اجراء نشده باشد.

**رئیس -** آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد جز معدودی)

**رئیس -** قابل توجه نشد يك پیشنهادی هم آقای زنجانی کرده اند ولی این راجع بققره هشتم است.

**زنجالی -** بله اشتباه شده است راجع بققره هشتم است.

**رئیس -** در فقره هشتم مخالفی هست.

**آقا شیخ ابراهیم -** مرتکب قتل و سرق و کسانیکه مجازات قانونی شده اند صحیح نیست بجهت اینکه حدود هریک از این تقصیرات چه جزئی وجه کلی در اسلام معین شده است حتی دزدی و قتل و هر تقصیر جزئی این چیزیکه در این قانون نوشته شده است باعث نمیشود که اینها محروم باشند تقصیر باید مثل جنحه و جنایت وقتل نفس باشد مطلق کسی که مستوجب مجازات قانونی شده باشد نمیتواند بجهت معروفین بقتل و سرق اینهم صحیح نیست چون مطلق نوشته است واضح نمیکند بنده برای هر دو فقره اش پیشنهاد کرده ام مطلق معروفت کافی نیست این پیشنهاد دفع محظورات را میکند.

**رئیس -** خواننده میشود در قابل توجه بودنش باید رأی گرفت پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که فقره هشتم ماده (۴) چنین نوشته شود.

مرتکب جنحه و جنایت مثل قتل و سرق و اموال آنها و کسانیکه در تحت مجازات دعوی جنحه و جنایت هستند مادامیکه براءت خود را حاصل نکرده اند.

**رئیس -** مخیر کمیسیون قبول میکند.

**ذکاء الملک مخیر -** بله بنده این پیشنهاد را میتوانم قبول کنم.

**حاج آقا -** بنده در فقره هشتم عرض دارم.

**رئیس -** فقره هشتم را که عرض کردم مخالف نبودید.

**حاج آقا -** عرض داشتم.

**رئیس -** جزء کمیسیون که نیستید.

**حاج آقا -** خیر در اول ماده عرض دارم.

**رئیس -** بفرمائید.

**حاج آقا -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

**رئیس -** بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مداخله در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد تقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آنشخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سنی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست.

و هنوز عدله مانع کلیل نشده است در انتخاب از برای ما خیلی محظورات و خیلی مشکلات است که نمیتوانیم در هر حال امروزه برای ما ممکن نیست که چنین قانونی بنویسیم که هیچ نوع کم و زیادى نداشته باشد و در مدد صحت و اعتدال باشد این فرمایشی که آقای میرزایانس فرمایند صحیح است که شاید در يك موقعی يك کسی بگفتد نمی شده باشد که فقط او يك چیز جزئی دزدی کرده و این تقصیر را جزء تقصیرات بزرگ محسوب نمایند در صورتیکه این یکی از تقصیرات کوچک است و جهت ندارد همچو کسی که تقصیر او جزئی است از يك حق مشروعی محروم شود صحیح است بنده هم اعتراف میکنم ولی چه کنیم عجلتاً اقتضای مملکت همچو اقتضای مملکت و چاره هم ندارد زیرا که همانطور که عرض کردم قانون عدله ما از حیث قانون مملکتی و سیاسی و در جات تقصیر و خطا معین نشده است ممکن است اگر طور دیگر باشد يك اندازه موافق دلخواه ما نشود زیرا اگر ما خواسته باشیم در این باب دقت بکنیم دوچار اشکالاتی میشویم کفرع نگرانی میباشد مثل اینکه بیانات آقای حاج آقا هم شاید بر این حال است و نظرشان بهمین محظورات بوده است مثلا در جنحه و جنایات بعضی تقصیرهای بزرگ است که مجازات خیلی بزرگ دارد و بعضی تقصیرهای کوچک است که آنها هم مجازات دارد که میتوان بطور مطلق نباشد نه آنکه هر کس که گناهی کرده است از حق انتخاب محروم باشد راست است عرض کردم کسانی هستند که بکلی محروم بوده اند و خطائی نکرده اند مسلم است اینطور اشخاص همیشه محترم بوده اند و محترم هم هستند این اشخاص اگر چنانچه اتفاقاً تقصیری کردند و تقصیرشان جزئی بود جزء اشخاصیکه تقصیرشان بزرگ است که نمیتوان فرار داد و از این انتخاب هریک حق سیاسی و حق بزرگی است او را محروم کرد بهمین ملاحظاتی بوده که بنده پیشنهاد آقای زنجانی را قبول کردم و پیشنهاد آقای میرزایانس را رد میکنم بواسطه اینکه حالاً نمیتوانیم قبول بکنیم و قانونی بنویسیم که اشخاص حق دارند و چه اشخاصی حق ندارند این است که بالفاظ مجمله نوشته شده است و مجبور هم هستیم که قبول کنیم.

**سلیمان میرزا -** بنده اولاً از این نظر عرض میکنم و از این نظر ننگاه میکنم و تبدیل آقای میرزا یانس هم نظرشان از این راه باشد شخص را پس از آن که مجازات دادند همان مجازات را بنده در مقابل آن تقصیر کافی میدانم و علاوه مذهباً در توبه هم باز است اگر توبه کرد از گناه پاک میشود دیگر همچو کسی را نمی توانیم بگوئیم گناهکار و بی شرف است حالا قطع نظر از آن حرفهایی که در اینجا مذاکره شد میکنم بواسطه اینکه این صحبت خیلی مهم و موضوع مباحثه خواهد بود که آیا این مجازاتی که باو دادند رفیع گناه او بکلی شده است یا خیر این را نمیخواهم خلاصیت کنم و آن يك صحبت بزرگی است که حالا ممکن نیست در آن مباحثه بشود فقط میخواهم بگویم که در مذهب اسلام که ما هم داریم و دارای آن مذهب هستیم از برای همه تقصیرات مجازات معین شده حتی برای تقصیرات بسیار بسیار جزئی هیچ انسانی نمی

تواند ادعا نماید که بلا تقصیر خواهد بود و تقصیر جزئی نداشته باشد مگر چند نفر معصومین که ما در مذهب خودمان داریم بنا بر این ممکن است که در زمان زندگانی خودمان ما هم مرتکب يك تقصیر جزئی بشویم و وقتیکه مرتکب آن تقصیر جزئی شدیم مذهباً مجبور خواهیم شد يك مجازاتی که در مقابل او هست و وقتیکه آن مجازات جزئی بسا رسید آیا آن وقت هم از تمام حقوق مدنی و سیاسی معاف خواهیم شد و ما آن وقت محروم نمیشویم از جمیع حقوق مدنی و انسانی که مجازات نشده باشیم در اینصورت گمان نمیکند کسی بتواند ادعا بکند که مادام الحیوة تقصیری نکرده است و گناه را مرتکب نشده است تمام ماها دارای يك تقصیری خواهیم بود و يك تقصیر جزئی خواهند کرد پس در این صورت هم کس از حق انتخاب محروم خواهند بود این قانونیکه از مجلس خواهد گذشت هیچکس حق انتخاب کردن گمان نمیکند نداشته باشد تقصیرات مختلف است يك شخصیکه يك تقصیر جزئی کردو مجازات دید چگونه میتوان او را از حقوق سیاسی محروم کرد علاوه شهر های دور دست اشخاصی هستند که قدر و قیمت نظریات سیاسی و مدنی را هیچ ندانند و باین واسطه است که بکلی مشروطه است و دیگری مستبد و هر کس مخالف نظر سیاسی دیگری باشد فوراً او را متهم میکنند بمذهب و يك مجازات شرعی بجهت آن شخص تعلق میگیرد باین نظر چنانچه ما خواسته باشیم این دایره را آنقدر وسعت بدهیم عدد انتخاب کنندگان باندازه منتخب شده گان هم نرسد چون آن تقصیر را بر خلاف تدبیر میدانند فوراً داخل میشود و اینگونه اتهامات بنا بر این اشخاصیکه مستوجب مجازات قانونی باشند و این بواسطه حرف یا ادعای کتبی باشد و هنوز تقصیر او ثابت نشده باشد بطور میتوان همچو کسی را که گناه او ثابت نشده است و فقط بواسطه ادعای يك کسی است او را از حق انتخاب و حقوق ملی و حکومتی خارج کرد گمان میکنم همانطور که در عدله درجه جنحه و جنایت رامعین کرده اند و درجه تقصیرات جزئی را هم معین کنند بواسطه اینکه جنحه و جنایت و قیادت باید از این تقصیرات جزئی فرق داشته باشد و کسی که تقصیر جزئی کرده است نباید با جنحه و جنایت که محروم میکنند از حقوق سیاسی با هم مخلوط کرد البته باید در درجه حقوق سیاسی و مدنی فرق داشته باشد يك کسی که آدم گشته بایک کسی که دست کسی را خراشیده تفاوتی منظور کند نه اینکه بگویند هر دو تقصیر است و باید هر دو مجازات شرعی شوند و هر دو مجازات در نظر مادر يك درجه خواهند بود آن کسیکه پشت دست بنده را خراشیده با آن کسیکه آدمی را کشته باشد هر دو یکی خواهند بود و هر دو يك مجازات دارند البته يك مجازات آنها تعلق نخواهد گرفت و خیلی فرق دارد گمان می کنم همانطور که عرض کردم در اینصورت عده انتخاب کنندگان باندازه عده انتخاب شوندگان نشود صحیح است که باید تا يك اندازه جلوگیری از این اشخاص کرد و يك اشخاصی باشند که برای انتخاب کردن لایق و تا اندازه بی گناه باشند بنده علاجی که برای این کار میدانم همان پیشنهاد آقای زنجانی است که

فرمودند که درجه جنایت را معین کرده اند و باید معین باشد بنده گمان میکنم که برای ابتکار راهی بهتر از این نباشد و از هر دو سمت افراط و تفریط است جلوگیری نمودن همان پیشنهاد آقای زنجانی است زیرا وقتی که مثال زدند قتل و سرق و امکان بود که يك مثالی هم برای تقصیرات کوچک میزدند که اگر کسی انگشت یا پشت دست کسی خراشید او هم از انتخاب کردن محروم باشد هیچ ابدا مثالی نزد منو همه شان برای جنحه و جنایت است و این ماده باین ترتیب و اجالی گذارد خیلی اسباب اشکال از برای آتی خواهد شد تقصیرات غیرت و عجب از برای او پیدا میشود.

**رئیس -** مذاکرات در این باب کافی نیست.

مدرس در شرایط منتخب چون بنظر ما چندان اهمیتی نداشت نخواستیم که مذاکره کنیم باینمات هم که هیچ صحبت نکردیم برای این بود که دایره اش وسیع تر باشد و گویا ضرری بجائی وارد نمی آید لکن کم کم فرمایشات میرزایانس آقایان که لا بد آملعاجه شدیم عرض کنم مطلب معلوم نشد که مراد چیست همان فرمایشی که آقای حاج آقا فرمودند بنده هم همانطور خیال کردم بعد از آنی که ما میر میداریم مبنویسیم و رشکسته بتقصیر انتخاب کردن ندارد آنوقت در این ماده بیائیم بنویسیم که قتل و سرق و امثال آن اولاً امثال آن خیلی محتمل است مفادش این است که اگر خدای نخواسته کسی زانی باشد حق انتخاب دارد و ور شکسته بتقصیر حق ندارد گمان میکنم که هیچکدام از ماها راضی باین مطلب نباشیم لهذا ور شکسته به تقصیر میبشست و گویا این چندان اهمیت ندارد و این مستوجب مجازات هم که فرمودند دایره اش خیلی وسیع میشود خیر اینطور نیست خیلی دایره اش عمیق است مستوجب مجازات شرعی در تمام کار های ما مفاد تازه است بایک جزئی بیشتر گرفته اند گمان میفرمائید که تمام گناهانی که ما میکنم مجازات دارد؟ خیر خداوند عالم عفو میکند توبه دارد توبه بکنیم خداوند عفو میفرماید دایره اش خیلی کم است نه اینکه اشتباه بفرمائید آنکه گناهش عفو ندارد گناهان کبیره است و آنها هم معلوم است و همه اش هم معلوم است هیچ کشمکش هم ندارد بلکه آن و امثال آنها که فرمودند امثال آنها محتملتر است لهذا در شرایط منتخب که نوشته شده است در شرایط منتخب است گمان میکنم که آن استعداد اینگونه وقتها را ندارد بواسطه اینکه معلوم است و ابداً شبه ندارد و مجازات بکمیترانی دارد در طریقه اسلام هر کسی که يك اندازه بصیرت داشته باشد میدانند طریقه اش چیست چه مجازات دارد چه چیز مجازات ندارد اشتباه در اینجا است که گمان کنید آقایان که موارد حقیقه دارد و اشتباه میشود در صورتیکه اینطور نیست و گمان میکنم که اگر آقایان صلاح بدانند این ماده را بجال خودش باقی بگذارند و اشتباه هم کم میشود چون در شرایط انتخاب است گویا همین طوریکه نوشته شده است کافی باشد.

**رئیس -** گمان میکنم مذاکره در این باب کافی است سه فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود اولاً از طرف زنجانی بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که فقره هشتم ماده (۴) چنین نوشته شود.



مرتکبین جنحه و جنایت مثل قتل و سرقت و امثال آنها و کسانی که در تحت محاکمه دعوی جنحه و جنایت هستند مادامیکه برائت خود را حاصل نکرده اند .

نصورت تمیز دادیم برای اینکه بدانند که همان جنایات بزرگ است مثل رباه که اهمیت آن از قتل و سرقت و خیلی حرمش اعظم از ورشکستگی است و خیلی در نظر سیاست و در نظر شرع اهمیت او خیلی زیاد است .

توضیح بدهید .  
**آقا شیخ ابراهیم** - اما آنچه فرمودند تفصیلات در شرح هر کس مرتکب تصدیق شد حق تقدیر دارد یا تعلیم هم اگر چنانچه بناخیز نرفتند حتی بیکروز هم تعطیل بشود مجازات نیست صحیح نیست بجهت اینکه اینهمه تفصیلات مجازات دارد آیا این مجازات نیست و مجازات است مجازات بجای خودش است ربطی باین حقوق ندارد که محروم باشد اگر این تصدیق مانع یک حق شرعی است پس کسی نیست که این انتخاب را کند اگر هست آنهم معصوم است پس هر معصومی که از تفصیلات شرعی یک چیزی باو بزند یک صحتی باو بدهد مستوجب مجازات است اگر او را محروم کنید صحیح نیست بنده عرض کردم جنحه و جنایت و امثال آنها قتل و سرقت را نام ببریم آیا زانی خارج میشود یا نه زانی آیا بدتر از قتل و سرقت است پس این تفصیلات جزئی مراتب پایین جنحه و جنایت است اینها متممات مثال است جنحه و جنایت قتل و سرقت است اما آنچه اخیرا عرض کردند معروفین را نباید گفت معروفین یعنی چه باید کسانی را که متهم شده اند آنها را مجازات کرد مادامیکه محاکمه نشده اند بری الذمه نیستند و حق انتخاب ندارند اگر برائت حاصل کردند آنوقت حق انتخاب کردن دارند .

**آقا شیخ ابراهیم** - اما آنچه فرمودند تفصیلات در شرح هر کس مرتکب تصدیق شد حق تقدیر دارد یا تعلیم هم اگر چنانچه بناخیز نرفتند حتی بیکروز هم تعطیل بشود مجازات نیست صحیح نیست بجهت اینکه اینهمه تفصیلات مجازات دارد آیا این مجازات نیست و مجازات است مجازات بجای خودش است ربطی باین حقوق ندارد که محروم باشد اگر این تصدیق مانع یک حق شرعی است پس کسی نیست که این انتخاب را کند اگر هست آنهم معصوم است پس هر معصومی که از تفصیلات شرعی یک چیزی باو بزند یک صحتی باو بدهد مستوجب مجازات است اگر او را محروم کنید صحیح نیست بنده عرض کردم جنحه و جنایت و امثال آنها قتل و سرقت را نام ببریم آیا زانی خارج میشود یا نه زانی آیا بدتر از قتل و سرقت است پس این تفصیلات جزئی مراتب پایین جنحه و جنایت است اینها متممات مثال است جنحه و جنایت قتل و سرقت است اما آنچه اخیرا عرض کردند معروفین را نباید گفت معروفین یعنی چه باید کسانی را که متهم شده اند آنها را مجازات کرد مادامیکه محاکمه نشده اند بری الذمه نیستند و حق انتخاب ندارند اگر برائت حاصل کردند آنوقت حق انتخاب کردن دارند .

**آقای مخبر چه میفرمائید** .  
**ذکاء الملک مخبر** - بنده قبول کردم این پیشنهاد را از طرف آقای حاج آقا بمضمون ذیل قرائت گردید بنده پیشنهاد میکنم که جزو هشتم اینطور نوشته شود .  
مرتکبین قتل و سرقت و منصرفین که مستوجب حدود قانون اسلامی شده اند و معروفین بقتل و سرقت و امثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده اند .

**آقای مخبر چه میفرمائید** .  
**ذکاء الملک مخبر** - اینها را قبل از وقت خوبت بفرستید بهیئت رئیسه که آنقدر در مجلس مصلح نشوم .  
پیشنهاد ادیبالتجار راجع بقره ۱۰ در قرائت شد این بنده پیشنهاد میکنم جمله ۱۰ از ماده چهارم بیارت ذیل نوشته شود .  
۱۰ حکام و معاونین آنها و رؤسای امنیه و نظمی و مستخدمین آنان .

**آقای حاج آقا** - بنده بعد از آن توضیحی که آقای مدرس دادند خیلی مطلب را واضح میدانم و این پیشنهادی هم که کردم راجع بآن مطلب است بواسطه اینکه در این ماده که نوشته است مستوجب مجازات خواهد شد باید آقایان بدانند که این مثال هائی که زده شده که آقای آقا سید محمد رضا همدانی و سلیمان میرزا فرمودند مربوط باینجا نبود بواسطه اینکه مجازات قبل از ثبوت مستوجب مجازات نمی شود این بنده حدودی که راجع بحدود غیر نیست و فنی که اینطور نباید بدانند که دایره مجازات شرع جقدر ضیق میشود ابتدا در آن بیاناتی که آقای زنجانی فرمودند در اینجا وارد نیست خصوصاً تقدیر و حال آنکه تقدیر یکی از ترتیبات سیاسی است برای حفظ حدود تقدیر را دراجع بمجازات شرعی گرفتند و حال آنکه تقدیر یکی از سیاستها بوده است در نزد حکام شرع و از این جهت خوب واضح است که مطلب چیست بنده آن حدود را خوب واضح شرح دادم و آنرا بتوان قصور و لفظ

**آقای حاج آقا** - بنده بعد از آن توضیحی که آقای مدرس دادند خیلی مطلب را واضح میدانم و این پیشنهادی هم که کردم راجع بآن مطلب است بواسطه اینکه در این ماده که نوشته است مستوجب مجازات خواهد شد باید آقایان بدانند که این مثال هائی که زده شده که آقای آقا سید محمد رضا همدانی و سلیمان میرزا فرمودند مربوط باینجا نبود بواسطه اینکه مجازات قبل از ثبوت مستوجب مجازات نمی شود این بنده حدودی که راجع بحدود غیر نیست و فنی که اینطور نباید بدانند که دایره مجازات شرعی گرفتند و حال آنکه تقدیر یکی از سیاستها بوده است در نزد حکام شرع و از این جهت خوب واضح است که مطلب چیست بنده آن حدود را خوب واضح شرح دادم و آنرا بتوان قصور و لفظ

بجهت اینکه بنده ناقد ترین مردم هستم چه می توانم بکنم غیر از اینکه اسم یک کسی را روی یک کاغذ بنویسم و تا بکنم و بدهم دیگر اینکه نفوذ چیز دیگری است اگر بخوایم اجرای نفوذ بکنم باین است که بروم مرد راه بین و ترفیق بکنم که اینرا هم که جلوگیری کرده ایم حاکم هم مثل یکی از افراد این ملت است او هم حق رأی دارد میوه یک اسم می نویسد می اندازد توی حمبه دیگر هیچ امتیازی و تفاوتی با هیچکس ندارد نظمی و امنیه را که میگویند حق رأی ندارد برای این است که یکدقیقه از کار خودش که نظم مملکت است تلف نکند و از این حق مشروع او را محروم کرده اند بواسطه اهمیت کارش که بواسطه شرکت در امر انتخاب ممکن است کارشان مختل بماند و داخل در پارتنری بازی و دسته بندی میشوند اگر چنانچه نظام را داخل در امور پلنتیکی نمایند باین جهت گفتند که اهل نظام از انتخاب محروم هستند مقصود این است که پکلی آسوده باشند از این مسئله و این قبیل فتنه های انتخاب چون در واقع انتخاب یکی از فتنه هائی است که در مملکت واقع میشود و ناچاریم که این فتنه جزئی را بجهت مصالح کلی قبول کنیم .

بجهت اینکه بنده ناقد ترین مردم هستم چه می توانم بکنم غیر از اینکه اسم یک کسی را روی یک کاغذ بنویسم و تا بکنم و بدهم دیگر اینکه نفوذ چیز دیگری است اگر بخوایم اجرای نفوذ بکنم باین است که بروم مرد راه بین و ترفیق بکنم که اینرا هم که جلوگیری کرده ایم حاکم هم مثل یکی از افراد این ملت است او هم حق رأی دارد میوه یک اسم می نویسد می اندازد توی حمبه دیگر هیچ امتیازی و تفاوتی با هیچکس ندارد نظمی و امنیه را که میگویند حق رأی ندارد برای این است که یکدقیقه از کار خودش که نظم مملکت است تلف نکند و از این حق مشروع او را محروم کرده اند بواسطه اهمیت کارش که بواسطه شرکت در امر انتخاب ممکن است کارشان مختل بماند و داخل در پارتنری بازی و دسته بندی میشوند اگر چنانچه نظام را داخل در امور پلنتیکی نمایند باین جهت گفتند که اهل نظام از انتخاب محروم هستند مقصود این است که پکلی آسوده باشند از این مسئله و این قبیل فتنه های انتخاب چون در واقع انتخاب یکی از فتنه هائی است که در مملکت واقع میشود و ناچاریم که این فتنه جزئی را بجهت مصالح کلی قبول کنیم .

**ذکاء الملک** - چون مجهول است خوب است برود بکمیسیون .  
**ذکاء الملک** - بله .  
**رئیس** - تقاضا میکنید که برود بکمیسیون .  
**ذکاء الملک** - بله .

**رئیس** - این ماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شیدالله ارکانه اینجانبان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علیالمجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شبه و یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منقذ شود ارباب کیخسرو شاهرخ با مضای ۲۸ نفر دیگر .

**رئیس** - این ماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شیدالله ارکانه اینجانبان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علیالمجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شبه و یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منقذ شود ارباب کیخسرو شاهرخ با مضای ۲۸ نفر دیگر .

**رئیس** - این ماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شیدالله ارکانه اینجانبان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علیالمجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شبه و یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منقذ شود ارباب کیخسرو شاهرخ با مضای ۲۸ نفر دیگر .

**رئیس** - این ماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شیدالله ارکانه اینجانبان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علیالمجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شبه و یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منقذ شود ارباب کیخسرو شاهرخ با مضای ۲۸ نفر دیگر .

**رئیس** - این ماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شیدالله ارکانه اینجانبان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علیالمجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شبه و یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منقذ شود ارباب کیخسرو شاهرخ با مضای ۲۸ نفر دیگر .

**حاج شیخ اسدالله** - در اول صورت مجلس نوشته بود رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب جلوس ۳ ساعت قبل از غروب جلوس را رسماً منقذ کردند در صورتیکه موقع جلوس رئیس سه ساعت قبل از غروب بود .

**رئیس** - مکرر عرض کرده ام باز هم عرض میکنم کاظهاراتیکه راجع بشیت است در مجلس نباید بشود **حاج شیخ اسدالله** - عرض بنده اجماع بشیت نبود راجع بموقع جلوس و صورت مجلس بود **رئیس** - فرق نمیکند راجع بدیری وزودی لازم نیست در مجلس اظهار شود

**ارباب کیخسرو** - در خصوص پیشنهاد بنده هم نوشته اند که راجع بود بقره دوم و حال آنکه راجع نبود بقره دوم نوشته بودم اضافه شود اگر هم اضافه میشود یا نه بفرق اضافه شود عرض بنده همین قدر بود که اضافه شود دیگر بجز جمله دوم یا جمله دیگر عرض نکردم .

**رئیس** - اصلاح میشود .  
**ذکاء الملک** - در پیشنهاد آقای ادیبالتجار بنده عرض نکردم وقوع این امر متصور نیست عرض کردم وقوع این امر را چون امری میدانم که بهیچ وجه تصدیق نمیکند و ترتیب اثری باو نمیدهم باین جهت قید او بیفایده است .  
**رئیس** - همینطور اصلاح میشود ملاحظاتی دیگری نیست؟ (اظهاری نشد)

**رئیس** - صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد قانون انتخابات از فصل سوم ماده پنجم خوانده میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)  
فصل سوم - شرایط انتخاب شوندگان ماده ۵ - انتخاب شوندگان باید دارا صفات ذیل باشند ۱- متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی) (زردشتی) (یهودی) ۲- تیره ایران باشند ۳- خط و سواد فارسی یا اندازه کافی داشته باشند ۴- در محل انتخاب معروف باشند ۵- سن ایشان کمتر از ۳۰ و زیاد از ۷۰ نباشد .

**رئیس** - در فقره اول که البته مخالفی نیست **حاج سید ابراهیم** - بنده گمان میکنم و خوب بود آنجا یک شرط زیاد شود که شخصی را که انتخاب میکنند باید بصیرت در محل داشته باشد

**رئیس** - در فقره اول عرض کردم در فقره اول مخالفی هست ؟  
**حاج شیخ الرئیس** - بنده شرط اول را لازم میدانم و استثنای ملل متنوعه را هم البته لازم میدانم ولی استثنای این سه ملت را و منحصر کردن این سه ملت باآمال و آرزوهای طولانی مقدس بنده و امثال بنده درست نیاید شاید یک مملکتی که ستاره پرستند که باصطلاح قرآن (ساقین) برابری ایران سرفراز شدند و مملکت آنرا داخل در مستمرات و مستملکات ایران شد باین جهت انحصار باین سه ملت را بنده صحیح نمیدانم .  
**افتخار الواعظین** - در قانون انتخابات وقتیکه رأی میدهم واسم میریزد از ملل برده میشود که رسوایت داشته باشند در مملکت امروزه مدعی

کلیان در رسمیت دارد دین اسلام و مذهب مسیحی . زردشتی یهود است و سایر مذاهب در مملکت ما رسمیت ندارد  
**آقا شیخ علی شیرازی** - بنده سابقاً پیشنهاد کرده بودم که ملل مختلفه نوشته شود بجهت اینکه کلدانیهم داریم .

**مهرزاد الملک** - میخواستم عرض بکنم اشتباه باقی نماند کلدانیها هم مسیحی هستند .  
**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بقیه بنده عبارت اینطور نوشته شود نمایندگان از ملل متنوعه مسیحی و زردشتی و یهودی این لفظ از که مقدم بر نمایندگان شده است و بجز شود دیگر آنکه یهودی هم کلیبی نوشته شود .

**رئیس** - در فقره اول دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) در فقره دوم مخالفی نیست ؟ (ایضاً اظهاری نشد) - در فقره سوم مخالفی هست **مهرزاد الملک** - اگر ماده بطوری است که نوشته شده عرضی ندارم اگر بطوریکه آقای زنجانی اظهار کردند اصلاح شده بنده عرض دارم **رئیس** - ماده سوم را عرض کردم - مخالفی هست ؟ (اظهار شد مخالفی نیست)

**رئیس** - در ماده چهارم مخالفی هست ؟  
**آقای مدرس** - خوب است همانطوریکه آقای حاج سید ابراهیم بیان کرد اضافه شود بصیرت محلی هم داشته باشد بجهت آنکه فقط معروف بودن منتخب فایده ندارد و باید یک بصیرت محلی هم داشته باشد مثلاً اهل کرمان بنده را میشناسند اما من نمیدانم کرمان کجاست و اهل او چطور هستند توابع او کجاها است .

**ذکاء الملک مخبر کمیسیون** - البته نمایندگان اگر بصیرت محلی داشته باشند بهتر است ولی معنی شرایط است که بطوریکه در جلسه گذشته عرض کردم چطور تمیز میدهم که بصیرت در امور محلی داشته باشد یا نداشته باشد ممکن است یک کسیکه اهل آن محل نیست بصیرت در امور آن محل داشته باشد و یک شخصی که از اهل آن محل است بصیرت در امور آن محل نداشته باشد حالا چطور در مقام عمل آنرا تمیز میدهم و چطور بموقع اجرا میگذاریم که فلانکس بصیرت در امور محلی دارد یا خیر این مثل همان بختی است که ما در خود بصیرت کردیم بجهت اینکه گفتند اهل بصیرت باشد چطور ما میتوانیم بگوئیم این شخص بصیرت ندارد بعضی شرایط است که وقتیکه میتوانیم تمیز او را نمیدانیم چه شکل تمیز بشیم مثلا چه قسم بصیرت میفرمائید داشته باشد در امور محلی در صورتیکه باز این شاید تایک اندازه بهتر موافقت دارد با مطلوب بصیرت در امور مملکتی باشد معذک آنهم بیک میزان معین که میتوان شناخت که بصیرت دارد یا ندارد یک چنین معیاری ندارد که بتوان مقایسه کرد و تمیز داد که فلانکس بصیرت یامور مملکتی هست یا نه در بصیرت یامور محلی بطریق اولی این حرف میآید و اگر راهی بجهت تمیز این هست که خوب است این فید را بگذرانیم لکن راهی بنظر بنده نیاید که این را تمیز بدهیم باین جهت اینطور نوشته شد .

**حاج شیخ اسدالله** - در نظرنامه سابق یک مصلحتی بود و او از اینجا افتاده است باینجا



عرض میکنم که این فتره خیلی لازم است که آنجا نوشته شود در نظامنامه سابق نوشته بود که بصیرت بامور مملکتی باشد حالا در اینجا آن قید را هم ندارد حالا خوبست نوشته شود که بصیرت بامور مملکتی باشد اینک میفرمایند مغبور و این را از کجا میتوان تیزداد این تیزورا که بصیرت در امور محل دارد یا ندارد خود اهل محل میدانند لازم نیست کسی از خارج معین بکنند برای تیز این مسئله در ضمن قانون که نوشتم اهالی خودشان میدانند چه کسی را انتخاب کنند و خودشان تیز میدهند

رئیس - موافق هستید شما یا مخالف

حاج شیخ اسدالله - مخالف عرض می کنم این قید بکنه اینجا شد است کافی نیست و باید همان چیزیکه آقای مدرس فرمودند اینجا اضافه شود این است مخالفت بنده چون در نظامنامه سابق نوشته بودند بصیرت بامور مملکتی باشد حالا آنرا اضافه کرده اند و انداخته اند و این قید را هم لازم میدانند که بصیرت بامور مملکتی باشد نشود که هیچ بصیرت نداشته باشد نه در مملکتی نه در امور محلی آنوقت این چیز غریبی میشود پس عرض میکنم در جواب آقای مغبور که میفرمایند بطور تیز میدهند عرض میکنم خود اهل محل تیز میدهند خود اهل محل این بصیرت را دارند که این شخص بصیرت در امور محلی دارد یا ندارد بعد از آنکه در این قانون زیاد کرده این قید را که بصیرت در امور محلی داشته باشد آن وقت خود اهالی آن محل آنکس را انتخاب خواهند کرد که بصیرت در امور محلی داشته باشد اگر داشت این بصیرت را در حق او رأی خواهند داد اگر بصیرت در امور محلی نداشت در حق او رأی نخواهند داد

حاج دکتر رضاخان - بله بنده گمان میکنم این مرد در ایراد کمی شود اینجا هیچ ربطی بی ندارد باید فرق باشد بین مجلس و انجمن بلدی یا انجمن ایالتی و ولایتی بجهت اینکه در انجمنها منافع مخصوصه محلیه منظور است لکن در پارلمان منافع عمومی منظور است و در منافع عمومی گفتگو میشود و اینها با هم خیلی فرق دارد برای همین است که گفته اند خط و سواد فارسی اقل باید و کبیل پارلمان داشته باشد این قید برای اینست که تا یک اندازه تفصیل مقدماتی کرده باشد حالا دیگر لازم نیست و بنامیده ترخ اجناس محله انتخاب خودش راهم بداند یا اینکه کوچک و محله آنها را هم خوب بشناسد بجهت اینکه چه بسا میشود اشخاص خیلی عالم در این شهر هستند که همسایه های خودشان را نمیشناسند این بهیچ وجه دلیل نمیشود و بصیرت در امور مملکتی نباشد دیگر آنکه و کبیل را نمیتوان همچو قیدی برایش قرار داد و بصیرت بامور محلی باشد این برای وکلای انجمن بلدی و ایالتی و ولایتی لازم است اما در نمایندگانی مجلس خیلی چیز غریبی خواهد بود و اینکه میگویند در نظامنامه سابق نوشته بود که بصیرت بامور مملکتی باشد درست است که در نظامنامه سابق بود اما ممکن است که آنوقت هم متذکر نشده باشند اینک میگویند بصیرت در امور مملکتی باشد یعنی چه یعنی حقوق تحصیل کرده باشد یا اینکه یک مدرسه است که در آنجا بصیرت در امور مملکتی را تحصیل میکنند و

از آن مدرسه دیلم میگیرند اینطور که نیست پس کسایکه يك اندازه بصیرت دارند میتوان گفت حکام هستند که همیشه بحکومت رفته اند اطلاع و بصیرت در امور محلی دارند آنوقت باید مقید کرد که و کبیل همیشه از طبقه توکر باشد والا طور دیگر نمیشود این شرایط درست است که بصیرت خوب میآید لکن اگر درست دقت بکنند خواهند دید که خیلی مشکل است بعد بیاید

بهجت - در فتره چهارم نوشته است که در محل انتخاب معروف باشد این قید از اصل زیادی است بطور ممکن است بگوئیم که يك کسی را اهالی يك نقطه انتخاب کرده اند او را نشانخته اند هیچ متصور نیست که يك کسی رأی بدهد در حق کسیکه او را نشانخته باشد بطور ممکن است کسی چیزی میگوید بگوئیم تو نمیدانی این يك قیدی بچائی است بطور ممکن است بگوئیم اهل فلان محل فلان کسی را که انتخاب کرده اند او را نمی نشانخته اند افلا تو بیکه رأی در حق او میدهند اسم او را میدانسته اند و ما بطور این را معلوم خواهیم کرد که او را نشانخته اند یا نشانخته اند مفتش میفرستیم از اهل محل میبرسیم که شما این شخص را که انتخاب کرده اند او را نشانخته اند یا نه شما باید پس این قید زیادی است اما وکیل باید بصیرت در امور محلی داشته باشد یعنی آن شخص و کبیل از وضع اقتصادی و معاش و اخلاقی و سیاسی و جغرافی آنها باید اطلاع داشته باشد چون يك چیزی را که ما باید مراعات بکنیم وضع اخلاق و عادات اهالی مملکت است بجهت اینکه وقتی که ما در اینجا وضع قوانین میکنیم باید ملاحظه اقتضات و احتیاجات مملکت را بکنیم فقط چیزی را ما باید مراعات بکنیم که برای ما ندامت و تأسف پیش نیاید و آن اقتضات و احتیاجات مملکت است پس باید قید بکنیم که و کبیل عارف با اقتضات احتیاجات مملکت باشد بمباراة اخری عارف بمقتضیات وقت باشد این که بصیرت در کل امور مملکت باشد چنانچه این قید در نظامنامه سابق هم بوده است یا این که بایستی قید بکنیم که افلا از آن محلیکه انتخاب شده است اطلاع داشته باشد اگر اطلاع نداشته باشد نه از امور مملکتی نه در امور محلیکه از آنجا انتخاب شده است آن وقت میآید چگونه شاید میآید که قانون وضع کند و باقتضای مملکت باید قانون وضع نماید در قانون البته باید رعایت اقتضات و احتیاجات امور مملکت باید بشود و باید این شخص عارف با اقتضات و احتیاجات امور مملکت باشد تا بتواند رأی خودش را بدهد پس باید گفت و کبیل باید عارف با اقتضات مملکت باشد این يك مسئله واضحی است از معقولات ثانوی نیست از مطالب منطقی نیست يك مطلب واضحی است که و کبیل باید عارف بامور مملکتی باشد اگر عارف نباشد برای چه انتخاب میشود و افلا بامور آن محل باید بصیرت داشته باشد

رئیس - گویا مذاکرات در این فتره کافی باشد پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ اسدالله شده است قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که جزء چهارم ماده پنجم این قسم نوشته شود در محل انتخاب معروف بوده محلی بجل مزبور داشته باشد (از طرف حاج سید

ابراهیم خواننده شد) بنده پیشنهاد میکنم که شرط ششم در ماده پنجم اضافه شود دارای بصیرت بامور محلی حوزه انتخابیه خود باشد

رئیس - آقای مغبور چه میفرمائید؟  
ذکاءالملک - عرض کردم يك چیزی نیست که بتوان تمیز داد و حکم کرد گمان میکنم فایده نداشته باشد

رئیس - پس رأی میگیریم در اصلاح حاج شیخ اسدالله آقایانیکه تصویب میکنند یعنی این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد دیگر باصلاح سرکار هم (حاج سید ابراهیم) رأی نمیگیریم همینطور باصلاح آقایان مدرس لواء الدوله در شرط پنجم مخالفی هست؟  
آقای میرزا احمد قزوینی - بنده در شور اول يك پیشنهادی راجع سن داده بودم و عرض میکنم فرق بین منتخب و منتخب پنجاه سال کافی است در جلسه اول هم پیشنهاد کردم بخوانند

حاج سید ابراهیم - تجربه معلوم شد که واقعا يك نوبت باید داشته باشد که حاصل از تجربه میشود ما که مدارس عمومی نداریم که در مدرسه این درجات اخلاق را عموماً تحصیل کرده باشند لابد در تجربیات باید برای اخلاق تحصیل کرده باشد که بتواند حفظ حقوق ملت را در پارلمان بکند ۲۵ سال برای این مقام کافی نیست بنده سی سال را اول این مرتبه میدانم و کمتر از سی سال را صبیح

رئیس - آقای آقا میرزا احمد دو باره پیشنهاد کنید رأی بگیریم

بهجت - شغل و کالت يك شغل فکری است و گمان اینست که انسان در هفتاد سال يك درجه برسد که سن مانع از این شغل بشود چون و کالت يك شغلی نیست که احوال اعضاء و جوارح لازم داشته باشد مثل اهل نظام و حکام و غیره که مشاغلشان حرکت لازم دارد که بواسطه رسیدن به هفتاد سال محروم باشند و ممنوع بشوند ممکن است کسی هفتاد سال داشته باشد و خیلی خوب بشود از افکار او استفاده کرد خوب است آقای مغبور توضیح فرمایند که علت اینست که هفتاد سال مانع از نمایندگی است چیست بجهت اینکه چیزی که در کثرت سن مانع از افعال قوای فکریه است خرافاتی است که بواسطه کثرت سن عارض میشود و بنده گمان میکنم با هفتاد سال که قطعاً آن آقا بآن درجه نرسیده یعنی خرافات عارضش نشده بجهت ندارد که ممنوع باشد

ذکاءالملک - آقای بهجت اعتقادشان اینست که مطلق تعیین حد اکثر را در سن میکنیم یا اینکه هفتاد سال را کم میدانند چون معلوم است انسان معمر قوایش کم میشود راست است که شغل نمایندگی با افعال قوای فکری است اما زحمت های دیگر و کارهای دیگری هم دارد تمام اوقات اینطور نیست که برایشان کار بکنند و سایر اعضاء کار نکنند حالا اگر هفتاد سال را کافی میدانند و پنج سال اضافه بکنند بنده آنقدرها ضدیت ندارم

رئیس - گویا مذاکرات در شرط پنجم کافی باشد اصلاحی است آقا میرزا احمد پیشنهاد کرده است قرائت میشود (بمبارت ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که فتره پنجم این قسم نوشته شود (سن کمتر از بیست و پنج سال نباشد)

رئیس - آقای مغبور چه میگویند؟  
ذکاءالملک - نمی توان اینرا قبول کرد بجهت اینکه گفتم در مسئله بصیرت يك میزان بجهت آن نداریم ولی این مسلم است که يك اندازه سن انسان را بجهت میکند بخصوص که ما مدارس نداریم و معلمان با شرم که وقتی که شخص از آن مدرسه بیرون میآید افلا علم تحصیل کرده است و اگر تجربه ندارد لااقل علم دارد چون آنرا هم نداریم پس بهتر اینست سن را همان سی سال قرار بدهیم یعنی از سی کمتر نباشد که افلا يك اندازه تجربه حاصل کرده باشند

رئیس - رأی میگیریم در پیشنهاد آقای آقا میرزا احمد آقایانیکه ان پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد دو فتره شرط الحاقیه پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای کاشف یکی از طرف آقای مدرس قرائت میشود (پیشنهاد کاشف بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجم شرط ششم اضافه شود و اوقاف بمقتضیات وقت باشد پیشنهاد مدرس بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم اضافه شود بر چهارم از ماده پنجم و بصیرت محلی هم داشته باشد

رئیس - توضیحی دارید بدهید؟  
کاشف - چون اکثر از اوقات نظر مردم در انتخاب نماینده بامانت و دیانت است لکن چون فقط امانت و دیانت از برای وکالت کافی نیست ممکن است يك شخص خیلی امین و با دیانت باشد چون بمقتضیات وقت مطلع نباشد مفید نباشد ولی اگر این شرط اضافه شود خیلی مناسب خواهد بود

ذکاءالملک - عرض کردم شرط که قرار میدهند باید آن شرط يك شرطی باشد که بتوان بواسطه فقدان آن شرط او را رد کرد حالا يك نفری که انتخاب شد آمد اینجا آیا که خواهد باو گفت که این عارف بمقتضیات وقت نیست و کی این را تمیز میدهند البته باید بصیرت باشد لکن عرض کردم باید طوری باشد که اگر خلافت واقعه بتوان ترتیب اتزی باو داد بله باید در مقدمه نظامنامه يك شرح مفصلی نوشت که مردم کسی را که انتخاب میکنند باید بصیر باشد در امور مملکتی در امور محلی عارف بمقتضیات وقت و غیره و غیره باشد همه اینها را بنویسند که مردم بدانند که را انتخاب کنند اما قانون عرض کردم امر است و نهی باید يك چیزی نوشت که خلافت که واقع شد بتوان در او ترتیب اثر داد

کاشف - بنده در صورتیکه در نظامنامه نوشته شود مستر مدعی دارم مجدداً اصلاح آقای مدرس قرائت شد

رئیس - آقای مدرس توضیحی دارید بفرمائید  
مدرس - در جلسه سابق عرض کردم در منتخب ما اعمی هستیم در منتخب اعمی یعنی اگر در منتخب شرایطی بکنیم که در تمام مملکت صد و بیست نفر پیدا نشود و دارای آن شرایط باشند این صلاح مملکت است و نکته این است که ما امروز دارای آن اخلاقی نیستیم که افعال کنیم آن اخلاق را که

آرزو میکنیم روزی را که از طرف مجلس شورا بملت اعلان انتخاب شود و هیچ شرایطی هم معین نشود منتخبین خودشان بدانند که را باید انتخاب بکنند و منتخب هم خودش بداند که کی لایق این مقام است و کدام باید منتخب بشود و اگر مگر مملکت را انتخاب خود قبول نکنیم یعنی چنین اخلاقی داشته باشیم که خود قبول نکنیم لکن افسوس که حالا اخلاق نداریم لهذا باید یکمقداری شرایط در منتخبین مجلس شورای ملی زیاد کنیم بیکفردی هم آنها ملاحظه کنند که شاید يك نفری برای مملکت درست شود فرمایشی که فرمودند در مسئله معروفیت در ایندو جلسه خیلی تعجب میکنم که در این قانون در چهار پنج مورد معروفیت را متذکر میشود دو مورد را خوانندیم سه چهار مورد دیگرش راهم نمیخوانیم در انجمن نظار مشروط است بر اینکه اعضایش معروفیت داشته باشند بامانت و درستی اینجا میگویند معروفیت را بطور بدست بیآوریم میخواستیم عرض کنیم برای آقایان طرفی غیر از این معروفیت ما نداریم مثلا ورشکستگان بتفصیر میروند کدام يك از ورشکستگان را رفیق دفتر دستک آنها رسیدگی کردیم به بنیم مقصرند یا غیره الا معروفیت طرفین برای اینکه صفات منتخبین را بشناسیم نداریم غیر از معروفیت این مسئله است که تجربه کرده ایم دیدیم بشود در این شهر و سایر شهرها مثال حاضر بزنم کیفیت هم نباشد آقای ارباب که بخبروروا مدینت شده میشوند میگویند امین است از تجار چون هم میگویند امین است مشروطه ها میگویند امین است و حال اینکه يك کدام از ماها معاشرت تمام با ایشان نکرده ایم و بواسطه این معروفیت هر کدام ماها با کمال اطمینان میرویم میخواستیم که ارباب که بخبروروا معین است و اداره مجلس منظم است چرا بجهت اینکه آقای ارباب که بخبروروا امین است یعنی کسی نمیکردیم اگر صدویست نفر اشخاصی که معروف بامانت و درستی باشند اینجا نوشته باشند ابداً محمدهی میرزا وارد این مملکت نخواهد شد اگر چه در بین خودمان مردمی نباشند که حقیقه هم چندان مردمان امینی نباشند و اگر صدویست نفر مردمانی اینجا باشند و فرد اعلام باشند و معروف به پدی باشند مردم این مجلس را سنگ ساز خواهند کرد پس طرفین برای مالز برای صفات خلق غیر از معروفیت نیست ولیکن گمان میکنم که ما در اطاق جمع شده ایم و آنچه میگوئیم بر مردم مخفی است خیلی اشتباه است در قانون انتخابات اول صفات خوبی که برای منتخبین بود انداختید در قانون انتخابات دوم بعضی صفات خوب داشت آنها را هم انداختید مردم چشم دارند می بینند و سال بسال دوره بدوره از خوبیها ما چشم میروشیم و ببینیم میردازیم و ببینی ها فناخت میکنیم یکی از شرایطی را که انداختند (کار بیاقی شرایط نداریم) این بود که معروف بفساد عقیده باشند اینرا انداختید در صورتیکه در قانون انتخابات سابق در این قانون در شورا اول داشت که معروف بدیانت و امانت باشد این راهم انداختید و نماینده عالم بمقتضیات وقت باشد حالا میساید اینجا اشکالات میکند در صورتیکه تمام عالم میدانند و شایع میکنند و میدانند که این شرایطی را که ما داریم میرویم بجائی نخواهیم رسید معروف بامانت در تمام امور منظور

میداریم وصل میکنیم و صیت میکنیم کسیرا وصی قرار میدهیم که معروف بامانت باشد کسیرا وکیل میکنیم در يك معامله تومانی که معروف بامانت باشد اما کسی را که میخواستیم اقتراض و قوانین این مملکت را بدست او بدهیم نباید معروف بامانت باشد از بنده گفتن است و رفتن این ترتیب صحیحی نیست خود دانید و لوازم نشنود

ذکاءالملک - وقتیکه این پیشنهاد را آقای مدرس کردند بنده مصمم بودم که قبول کنم حالا هم قبول میکنم ولیکن خیلی اعتراض میکنم و گله میکنم از ایشان بجهت اینکه دلالی که در خصوص پیشنهاد آقای کاشف عرض کردم آیا يك دلیل بوجهی عرض کردم یا اینکه دلیل عرض کردم چنگ گفتن بنده عرض کردم شما قانون مینویسید بجهت اینکه بتوانید بوجه آن قانون يك کسیرا قبول و يك کسیرا رد بکنید بگوئید چون این شخص این شرایط را که نوشته شده است ندارد بجهت اینکه او را بست و کالت نمیتوانیم بپذیریم در این صورت عرض میکنم این يك شرطی است که صورت پذیر نخواهد شد که بواسطه عدم معروفیت بامانت کسیرا از سمت و کالت بپندازید یا اینکه بگوئید چون این شخص عالم بمقتضیات وقت نیست او را از سمت و کالت میانداریم کی میتوانیم همچو چیزی بکنیم چون نمی توانید بکنید پس قانون را لغو میکنید چرا بجهت اینکه چیزی در قانون مینویسید که نمیتوانید آن را اجرا کنید عرض کردم وکیل البته باید عارف بمقتضیات وقت باشد البته باید عالم باشد البته باید بصیرت بامور مملکتی داشته باشد البته باید نخبه باشد امین باشد بصیر باشد خیلی جلسات باید داشته باشد اما يك چیزی باید نوشت که بتواند عمل کنند یعنی بتوانند بر او ترتیب اثر بدهند که بوجه اینکه این آدم بصیر بامور مملکتی نیست باید وکیل باشد کدام آدم است اشخاصیکه در این جا نشسته اند اگر بصیر در امور مملکت نباشند از این جا بیرون کنند نماینده آقای مدرس از کجا استنباط کرده اند که ما میخواستیم شرایط خوب را برداریم و از کجا ملتفت شده اند که بنده یا دیگری در مجلس هست که میخواستیم وکیل بد انتخاب شود این را خیلی بی التفاتی فرمودند بنده میخواستیم اول پیشنهاد ایشان را قبول کنم حالا هم قبول میکنم ولی خواهش دارم که این قسم فرمایشات را نکنند

رئیس - خوب مغبور قبول کردند در قابل توجه بودنش را رأی نمیگیریم

رئیس - بفرمائید

مدرس - سوء تفاهمی شده است اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

مدرس - آقای مغبور در حقیقت بی التفاتی بنده فرمودند بجهت اینکه بهیچ وجه بنده نظر آقای مغبور نداشتم اندر همه دیر یک نفر کافر و من - همه چشمان با آقای مؤتمن الملک و آقای مغبور روشن است مقصودم این که در این مدت از قانون انتخابات که حالا سال پنجم است و همچنین نظامنامه تانی را با این نظامنامه که ملاحظه کنید در هر دوره صفات خوب را تقویت داده اند ببینید در دست هم هست و این خوب نیست در شور اول هم همین قانون هم



همین صفت بود حالا الفاء شده است و گمان میکنم از قلم افتاده است مقصود این بود که عمده طریقی را برای شناختن صفات غیر از معروفیت نداریم چه این صفات چه غیر این صفات.

**رئیس** - برای توضیح کافی است یک شرط دیگر آقای ادیبالتجار پیش نهاد کرده اند قرائت میشود (پیشنهاد مزبور عبارت ذیل قرائت شد) بنده این جمله را بعنوان شرط ششم تقدیم میکنم ضمیمه شود.

(۶) - در تحت حمایت و دارای تأمین اجانب نباشد.

**رئیس** - آقای مخبر قبول دارید؟

**مخبر** - خیر نمیتوانم قبول کنم.

**رئیس** - رای میکنیم باین پیشنهاد آقای ادیبالتجار آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

**رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهادی هم از طرف آقای آقا میرزا احمد شده قرائت میشود و رای میکنیم (پیشنهاد مزبور عبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این ماده الحاقیه اضافه شود که معروف بخیانت نباشد.

**رئیس** - توضیحی اگر دارید بفرمائید.

**آقا میرزا احمد** - بنده همان طوری که آقای مخبر فرموده اند معتقد بمعرفیت هستم و ابداً ترتیبی بر آن نمی بینم زیرا (رب شهرة لا اصله) ولی در آن شور اول بنده یک پیشنهادی کرده بودم بهمان طور که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند که معروف بخیانت نباشد و حالا چون آن پیشنهاد نیست پیشنهاد دیگری کردم که معروف بخیانت نباشد و علتش هم واضح است که اشخاص پیدا میشوند که معروفیت نداشته باشند بامانت و بهتر از معروفین هستند و همینکه قید کردیم معروف بخیانت نباشد آنوقت اشخاص خائن بیرون میروند از زمان امین و آنها هم که معروف بامانت و دیانت هستند داخل میشوند و اینکه آقای مدرس فرمودند در دوره سابق در نظامنامه انتخابات مصادی داشت خیلی خوب و آن خوب را برداشته این راجع بود بانجمن ابالتی آذربایجان مگر این را عرض کردیم آن موادیکه راجع بانجمن آذربایجان است حکم قانون اساسی را پیدا کرده است که ملت امضاء کرده است برای اینکه بنام اهالی ایران اعلان شود اهالی ایران آنها را وکیل کردند که آن مواد را رد کرد حالا آن موادیکه رد شده خوب باید قبول شده خود ملت قبول کرده است و ردا ورد قانون اساسی است.

**رئیس** - آقای مخبر چه میفرمائید در این پیشنهاد.

**ذکاءالملک** - این عبارت آخری عبارت آقای مدرس است بلکه یک جهت پیشنهاد آقای مدرس بهتر بود بجهت اینکه ممکن است که یک شخصی بخواهد یک لکه بگذارند و اگر این مشکل باشد ممکن است یک کسیرا متهم نمایند اراجنهت ما این فقره را در کمیسیون رد کردیم بجهت اینکه ملاحظه کردیم که این مسئله تخریب میکند مردم را باعمال به بدنامی و چیزهای دیگر بجهت اینکه ممکن است اشخاصی باشند که سوء اخلاق داشته باشند و با اشخاص هم عداوت داشته باشند اسباب خود هم

بیاورند که یک کسی را متهم کنند باین جهت پیشنهاد آقای مدرس را بنده ترجیح میدهم و لکن هر دو یکی است.

**رئیس** - پس چون قبول ندارید باید رای بگیریم.

**آقا میرزا احمد** - بنده پیشنهاد خودم را پس میکنیم.

**رئیس** - پس این با شرایطی که بر او اضافه شده است قرائت میشود و رای میکنیم.

(ماده مزبور با اصلاح عبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند:

۱ - متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه مسیحی و زردشتی و یهودی ۲ - تبعه ایران باشند ۳ - خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند ۴ - در محل انتخاب معروف باشند ۵ - سن ایشان کمتر از سی و زیاد از هفتاد سال نباشد ۶ - معروف بامانت و درستکاری باشند.

**رئیس** - رای میکنیم در این ماده ترتیبی که قرائت شد.

**میرزا یانسی** - بنده تقاضا کرده ام که این ماده تجزیه بشود و علیحده رای گرفته شود.

**رئیس** - میفرمائید که یکی یکی رای بگیریم یا از قسمت اول تا ششم را علیحده رای بگیریم و قسمت ششم را علیحده.

**میرزا یانسی** - عرض کردم علیحده رای گرفته شود.

**رئیس** - بسیار خوب تقاضای شماست کرده اند باید قبول کرد رای میکنیم بقره اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام کنند (اغلب قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد رای میکنیم بقره سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد رای میکنیم بقره چهارم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد رای میکنیم بقره پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد رای میکنیم بقره ششم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد حالا رای میکنیم بماده پنجم که متضمن شش فقره است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد اما بعداً برای اینکه وقت تلف نشود باقره فقره که مخالف هستند تقاضا میکنند که همان فقره تجزیه بشود و در اینجا هم اگر برای شرط ششم بود که تقاضا بکنند فقط او را تجزیه کنیم و رای بگیریم.

**میرزا یانسی** - بنده در چند فقره آن مخالف بودم.

**رئیس** - ماده ۶ قرائت میشود (ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - اشخاصیکه از انتخاب شدن معرومند (۱) شاهزادگان بلا فصل ابنا و اخوان و اعمام سلطنتی (۲) نسون (۳) تبعه خارجه (۴) مستخدمین امین و نظایه و اهل نظام بری و بعضی باستانی صاحبان اختیاری (۵) حکام کل و جزه و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود.

(تبصره) - سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط اینکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند (۶) ورشکستگان به تصدیق (۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین با ارتکاب قتل و سرقت و امثال آن که شرعاً بر ائمه ذمه خود را حاصل نکرده باشند (۸) اشخاصیکه خورشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشند و امانت بفسق.

**رئیس** - در فقره اول مخالفی هست.

**رئیس** - در فقره دوم مخالفی هست.

**رئیس** - در فقره سیم مخالفی هست.

**حاج آقا** - بنده اینجا تبعه خارجه را کافی نمیدانم بلکه مشکوک الایمانت هم باید خارج باشد یعنی کسانی که مشکوک الایمانت هستند حق انتخاب شدن نداشته باشند تا اینکه آن کسیکه داخل میشود در شورای مملکت مقطوع التایبه باشد.

**ذکاءالملک** - عرض میکنم گویا این قاعده اما نمیتوانیم قبول کنیم بجهت اینکه اشخاص یا تبعه خارجه هستند یا تبعه اگر تبعه خارجه هستند که از این حق خارج میشوند اگر تبعه خارجه نیستند که یقیناً تبعه ایران هستند غیر از این دوشق را قائل نیستیم.

**رئیس** - گویا بیشتر از این مذاکره لازم ندارد (گفتند صحیح است).

**رئیس** - در قسمت چهارم مخالفی هست (اظهاری نشد).

**رئیس** - در شرط پنجم و ششم هم که مخالفی نیست (اظهاری نشد).

**رئیس** - در شرط هفتم مخالفی هست.

**آقا شیخ ابراهیم** - بنده پیشنهادی کرده ام قرائت بشود.

(پیشنهاد مزبور به عبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که فقره هفتم اینطور نوشته شود مرتکبین جنحه و جنایت و تصصیرات عمدتاً قتل و سرقت و غیرهها و کسانی که در تحت مجازات محکومند و جنحه و جنایت واقعتاً مادامی که بر ائمه ذمه خود را حاصل نکرده اند.

**رئیس** - توضیحی اگر دارید بفرمائید.

**آقا شیخ ابراهیم** - توضیح همان است که در متن عرض شد نمیتوان مطلق مقصرینی که مستوجب مجازات شده اند آنها را محروم کرده اند فقط معصوم باقی خواهد ماند.

بجهت اینکه خیلی از تصصیرات مختصر هم هست که مستوجب مجازات میباشد ولی تصصیرات بزرگ مثل قتل و سرقت و امثال آنها باید نوشته شود علیهذا باید این قید را کرد همچنین اینکه نوشته شده است معروفین بقتل و سرقت اینهم غلط است باید گفت

اشخاصی که تحت مجازات هستند مادام که بری الذمه نشده آنها محروم باشند.

**رئیس** - عقیده کمیسیون در این باب چیست.

**ذکاءالملک** - نظیر این عبارت در ماده چهارم بود آن را در جوع بکمیسیون کردیم این هم عقیده بنده این است که رجوع بکمیسیون شود و در اینخصوص مذاکره شده عبارت بهتری نوشته شود.

**رئیس** - چون آقای مخبر تقاضا میکنند رجوع بکمیسیون با اصلاح هائی که پیشنهاد شده است در فقره هشتم مخالفی هست.

**آقا سید محمد رضای همدانی** - بنده بهیچوجه امتناعی ندارم که مسلمین از ملل متنوعه انتخاب کنند برای اینکه در همین دوره بعضی از نمایندگان ملل متنوعه امتحان خودشان را بخوبی داده اند مثل آقای ارباب که تشریف دارند و اگر قانون تجویز کند جمعی از مسلمین بکنند از ملل متنوعه را انتخاب کنند بنده حرفی ندارم لکن وحشت من از آن اشخاص است که هیچ قدر این مملکت معروفیت و رسمیت ندارند و دزد تمدن و دزد دیانت هستند و مارا متهم کرده اند در مشروطه بلکه عقب انداخته اند در آن شورا و عرض کردم در این شور دوم هم عرض میکنم که لازم نیست قیدی بشود که این قسم اشخاص خارج بشوند و اینکه میفرمائید کش داد هر مفهومی شما تصور بکنید کش دارد تاجریک مفهوم ضعیفی دارد و یک مفهوم قوی هر لفظی را که شما ملاظه کنید مفهومش کش دارد مفهوم معین معروفیت چیست از معروفیت معین تر نداریم اینسکه اسمی میگویند کش بر میدارند و معروفیت کش بردار نیست معروفیت مثلاً یک پیش نازی دو هزار نفر پشت سرش نماز میکنند یکی دیگر عقب سر او زدن نماز بکنند این جهش چیست جهش این است که او معروف بدیانت است میروند عقب سر او نماز میخوانند و آن یکی معروف بدیانت نیست و آیا آمدیم سر آنها را که میفرمائید اتهام میزنند هیچ اتهام باو نمیزنند فساد عقیده هیچ اسباب اتهام نشود بعد از وکالت که نمیخواهیم بگوئیم باین اتهام زده اند ما میگوئیم یک کس هست که ده سال نیست سال است که معروف بفساد عقیده است این را که نمی توان صرف نظر کرد و انتخاب او را قبول نموده مقصود همان است اینکه کسی که تازه وکیلش کردند صد بیرون میآید که معروف بفساد عقیده است یا متبذع در دین است این را قبول داریم که مناط اعتبار نیست ما فساد عقیده فلان عطار یا فلان دوا فروش که ده سال است معروف بفساد عقیده است و همه میدانند که میگویند مشروطین پیش مستبدین معروف بفساد عقیده هستند با این را هم نمیگوئیم که معروف بفساد عقیده است ما کسی را میگوئیم فاسد عقیده است که همه کس باو میگویند که معروف بفساد عقیده است و پیش هر فرقه که برود و داخل هر جمعی که بشود بگویند این معروف بفساد عقیده است لهذا بنده پیشنهاد را کردم حالا قابل توجه بشود یا نشود با مجلس است.

**محمد آقا هاشم زاده** - این یکی از امورات مذهبی است هیچ راجع با مسورات عرفیه و قوانین مملکتی نیست که بخواهیم در آن پیشنهاد

های متصل بکنیم و کم یا زیاد بکنیم این مسئله بدیهی است اولاً هر کس که متدین بدین حنیف اسلام نیست شرع خارجش میدانند از دین اسلام ما هم باید او را خارج بدانیم و تمام ترتیبات خروج از دین اسلام را در حق او جاری کنیم پس باید یا تمیاری و یک میزانی بدست بیایند و الا نشود بیجهت یک کسیرا که لاابالیهای بی معنی کرده است یا اینکه مذاکراتی کرده است که کم کم معروف شده است بفساد عقیده اما او را ممکن است از دین حنیف اسلام خارج کرد و آنکهی شرط بعد از این را گویا آقایان فراموش کرده اند که میگویند متظاهر نفس نباشد اگر کاین کارها را کرده باشند که عرض کردم البته در عداد متظاهر خارج میشود از این حق ولی بسجرا آنها خیلی وسیع است و در اینزمان خودمان هم دیده ایم چه اشخاص که خیلی صحیح بوده اند بعضی یک غرض متمش کردند بفساد عقیده و خلاف دیانت لهذا بنده باین ترتیب مخالف هستم.

**آقا سید حسن مدرس** - خواهش میکنم از آقایان که در مطالب که مذاکره میکنم حمل بطور هاری دیگر نشود برای اینکه اینجا مجلس مشاوره است البته تقدیس میکنم تمام برادران و آقایان حالیه و سابقین انشاء الله لاحقین را ما باید مذاکره کنیم و به پیشم چه کاری نفع دارد برای خلق مقصود این است که این مجلس مقدس است و باید اشخاصی که ما کاین مقدس باشند معنی مقدس اینست است که هر مقدار ممکن بشود صاحب اخلاق و صفات پسندیده باشد و خلق بهتر از او مستفیض میشوند و اینها موعظه صرف نیست و اینکه آقای همسفر آقا میرزا احمد فرمودند که قانون انتخابات را اول آذربایجان و انجمن آنجا تغییر دادند آن راجع با آنچه بود راجع باینجا بود.

**رئیس** - این خارج از موضوع است.

**آقا سید حسن مدرس** - خیر مقصود این بود که فرمودند راجع باینجا بود و معروف بامانت هم راجع بهمان بود که آقا میرزا احمد حالاً میفرمائید راجع نیست کار نداریم میگردیم مقصود این است که ما یک آثار اخروی داریم و یک آثار دنیوی که در قانون انتخابات شرایطی را باید بنویسیم که آثار دنیوی داشته باشد میخواهیم بدانیم آن صفاتی که در امور سیاسی باشد و فاسد دارد کدام است نمیخواهیم به بنیاد آخرت کی خوب است و کی بد است مثلاً اگر من خدای نخواسته از شقی ترین مردم در آخرت باشم در امر سیاسی اینجا متنوع و مضر هستم بجهت اینکه آثار سیاسی و دنیوی امور ظاهریه است و آثار اخروی بر امور باطنیه لهذا با اینکه صفاتی را که اینجا ذکر و شرط میکنم برای اینکه فرض بفرمائید اگر یک تاجری آمد و معروف شد که ورشکسته است و حال آنکه در واقع صد هزار تومان مال دارد مردم دیگر با این معامله نمیکند یا اینکه اگر یک شخصی معروف بدی شد مردم از این شخص در ظاهر اجتناب میکنند ولو اینکه خوب باشد این برای چیست برای این است که این شخص باین صفت ظاهراً معروف شده است پس اینکه در این ماده نوشته شده است کسیکه ثابت شود فساد عقیده او اولاً این مفهومی است که مصداق پیدا نکرده و امیدواریم بعد از این هم در مملکت ما که رو بخوبی و ترقی است مصداق پیدا نکند کسی در نزد حاکمی ثابت شود که یکی از اصول

دینش عیب دارد فقط فساد عقیده این است که یکی از اصول دینش عیب داشته باشد والا من کامل نمازم عیب ندارد انشاء الله این قسم اشخاص پیدا نخواهد شد و معروف بفساد عقیده بودن هم عقیده ما اینست که در میان خلق مطبوع نیست و ضرر دارد برای پارلمان و لوازمیکه در واقع خوب باشد اما اگر معروف بصفات حبیبه و افعال پسندیده ولو در باطن هم اینطور نباشد قایده ندارد برای پارلمان لهذا اگر آقایان صلاح میدانند این ماده را تبدیل بفرمائید باین عبارت که معروف بفساد عقیده و متظاهر بفسق نباشند و این اختصاص بو کلاهی مسلمین ندارد و کلاهی سایر ملل هم اینطور است اگر و کلاهی سایر ملل در دین خودشان معروف بفساد عقیده باشند یقین بدانید که او برای ملت خویش کار نخواهد کرد اما اگر در دین خودش معروف به حسن عقیده باشد مسوم - الکلمه خواهد بود و برای آنها مانع خواهد بود لهذا پیشنهادی کرده ام میدهم خدمت آقای رئیس که قرائت فرمائید.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است).

**رئیس** - دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای مدرس و یکی از طرف آقا سید محمد رضای همدانی قرائت میشود و در قابل توجه بودنش رای میکنیم (بترتیب ذیل قرائت شد) ۱ - از طرف آقای مدرس.

۲ - از طرف آقای آقا سید محمد رضای همدانی بنده پیشنهاد میکنم بجای فقره هشتم از ماده ششم از مواقع انتخاب اینطور نوشته شود اشخاصیکه معروف بفساد عقیده و متظاهر در فسق هستند.

**رئیس** - آقای مخبر چه میفرمائید در این پیشنهاد؟

**ذکاءالملک** - این ماده در هر صورت رجوع میشود بکمیسیون این پیشنهادها را هم رجوع بفرمائید بکمیسیون تا اصلاح شود.

**رئیس** - پس این ماده بر میگردد بکمیسیون بکریع تنفیص است بعد از تنفیص ماده هفتم خوانده میشود بعد از تنفیص مجدداً جلسه تشکیل شد.

**رئیس** - در ماده ششم آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان تقاضا کرده اند که تجزیه شود سه قسمت و در قسمت اول رای گرفته شود و دو قسمت دیگر ارجاع شود بکمیسیون.

پیشنهاد آقای آقا مرتضی قلیخان (به مضمون ذیل قرائت شد) - این بنده تقاضا مینماید که ماده ششم تجزیه شده در شرط اول تا ششم رای گرفته شود.

**آقا میرزا یانسی** - بنده یک مخالفی در تبصره داشتم میخواستیم بنیتم تبصره در چه قسمت مذاکره خواهد شد.

**رئیس** - تبصره در ضمن قسمت پنجم مذاکره شده.

**ارباب** - بنده هم یک پیشنهادی کرده بودم.

**رئیس** - پیشنهاد سرکار راجع است بماده الحاقیه یعنی شرط ماده الحاقیه است باید برود بکمیسیون برای میکنیم در ماده ششم از شرط